

(اعلامیه شماره ۱۰)

خواست‌های خلق ترکمن

خواست‌های برحق خلق ترکمن جزئی جدائی ناپذیر از خواست‌های خلق‌های میهنمان است. ما با اعتقاد عمیق به وحدت و یکپارچگی میهن پرافتخارمان ایران، به‌دزستی باور داریم که این وحدت تنها در پرتو روابط آزادانه و برابری همه خلق‌های میهن میسر است. یگانگی خلق‌های ما نه از طریق سلطه‌گری و اعمال زور، بلکه از راه آزادی، برابری و به‌رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای آنها میسر می‌شود. حقوق خلق‌های ایران، خود جزئی از حقوق اساسی زحمتکشان است که با کوشش خود بقای جامعه را تضمین می‌کنند نابودی استعمار و از میان برداشتن استثمار و پی‌ریزی یک جامعه دمکراتیک، تنها چیزی است که در نهایت ستم‌کاری‌ها و بی‌عدالتی‌ها را پایان می‌دهد. آنچه که در مواد مختصر زیر تحت نام خواست‌های خلق ترکمن می‌آید بخش کوچکی از این خواستها بود. و به‌اعتبار انطباقی که با اهداف نهائی همه خلق‌های تحت ستم و رنجبران میهنمان دارد، بی‌گمان در انظار همه مردم ایران به‌صورت خواست‌های برحق خلق پذیرفته خواهد شد.

- ۱- تشکیل شوراهای انقلابی از طریق رأی آزادانه مردم ترکمن برای دفاع از حقوق حقه خلق‌ها و به‌ثمر رساندن خواست زحمتکشان شهر و روستا.
- ۲- تقسیم زمین‌های خاندان متفور پهلوی و دیگر غاصبان زمین میان دهقانان بی‌زمین، تحت نظر شوراهای دهقانی.
- ۳- لغو کلیه دیون و بدهی‌ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و کارمندان جزء به‌بانک‌ها و مؤسسات دولتی.

فصل سوم

اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های مربوط به حوادث ترکمن صحرا

۴- لغو تمام محدودیت‌های ملی و فرهنگی، سپردن مصالح خلق ترکمن به دست خلق ترکمن که باید خود در تعیین سرنوشت خویش اقدام کنند و در چهارچوب ایرانی آزاد و یکپارچه، به طور کامل از آزادی‌های فرهنگی، مذهبی و دیگر آزادی‌ها برخوردار باشند.

۵- تشکل جغرافیائی خلق ترکمن بدین شکل است که از بندر ترکمن تا جوگلان (جزگلان)، باید تحت سیستم اداری و مشترک به مرکزیت گنبد درآید. دیگر تقسیم بندی‌ها نمی‌تواند حقوق کامل خلق ترکمن را رعایت کند.

۶- ارتش خلق برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب و دفاع ملی از نیروهای انقلابی تشکیل شود و سزایان و افسران ترکمن باید حتی المقدور در ترکمن صحرا خدمت کنند.

۷- باید دادگاه‌های انقلابی تشکیل شود و عمال ساواک و مزدوران رژیم سابق مورد تعقیب و محاکمه قرار گیرند و در مورد محاکمه مسئولین فاجعه گنبد هرچه سریعتر باید اقدام شود. در ضمن تبلیغات سوء روزهای اخیر در مورد حوادث گنبد که علیه خلق ترکمن و فدائیان آنجا انجام گرفته قطع شود و حقایق همانطور که اتفاق افتاده از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع مردم ایران برسد.

۸- ماهرگونه انحصارطلبی و انتصاب را به شدت محکوم می‌کنیم و معتقدیم که هر خلق حق تعیین سرنوشت خود را در یک رابطه همیار برادرانه با دیگر خلق‌ها دارد و معتقدیم که انتخاب کاملاً آزاد باید اساس گزینش نمایندگان و مجریان امور در تمامی ادارات و غیره قرار گیرد.

۹- ستاد مرکزی شوارهای ترکمن صحرا
۵۸/۱/۱۵

(اعلامیه شماره ۲)

تشریح برنامه‌های «کانون فرهنگی و سیاسی خلق

ترکمن»

همه خلق‌هایی ایران باید آزاد باشند و خود شیوه زندگی خصوصی و اجتماعی خویش را انتخاب کنند. هرگونه تبعیض در این زمینه باید منسوخ

گردد. در ایران آزاد و دمکراتیک مردم باید آزاد باشند یا مذهب خود یا زبان خود و یا فرهنگ خود زندگی نکنند.

۱- ستم قومی و ملی یکی از ویژگی‌های رژیم‌های دست‌نشانده می‌باشد. کودتای رضاخان که سرکوب شدید خلق‌های ایران و به ویژه خلق ترکمن را در پی داشت هنوز در خاطر کهن سالان ترکمن باقی است، و ما نیز شاهد اعمال این ستم در دوران شاه سابق در تمام شئون زندگی خود بوده‌ایم. سال‌هاست که خلق ترکمن در زیر فشار دیکتاتوری رژیم سرمایه‌داری وابسته به غارت‌گران خارجی، از فرهنگ غنی و گران قدر خود به دور نگه داشته شده است. ادبیات ما نابود شده، قصه‌ها و فولکور ما از بین رفته است، شعرا و نویسندگان خلق ترکمن ناشناخته مانده‌اند. بخشی‌ها و عاشق‌ها، دیگر بیانگر مسائل زندگی خلق ما نبوده به صورت تجملی محدود به مجالس اشراف و فتودال‌ها، گردیده و از اصل خود، به دور افتاده‌اند.

دامداری و کشاورزی بر اثر اعمال نفوذ مزدوران و چاکران درباری و محدود کردن مراتع و غصب زمین‌های زراعتی متلاشی شده، فاصله طبقاتی هر روز بیشتر شده و توده‌های فقیر ترکمن فزونی گرفته است رژیم سابق برای حفظ این وضعیت از دستگاه نظامی خود مثل ارتش و ژاندارمری و شهربانی استفاده می‌کرد. اکنون در آستانه پیروزی بر غارت‌گران خارجی و نوکران داخلی آنها بر ماست که هم گام با سایر خلق‌های تحت ستم وطنمان برای احیای فرهنگ ملی و تحقق خواسته‌های سیاسی خلق ترکمن صحرا بکوشیم. در این رابطه و در جهت ایجاد ایرانی آزاد و دمکراتیک اقدام به تشکیل «کانون فرهنگی و سیاسی» نموده‌ایم. باشد که با هم یاری همه آنها‌سی که به زحمت‌کشیشان و خلق رنج دیده ما عشق می‌ورزند آنرا اعتلا بخشیم.

اهداف کانون...

در زمینه فرهنگی

- ۱- احیای ادبیات خلق ترکمن از طریق جمع‌آوری و چاپ آثار شعرا و نویسندگان ترکمن و معرفی آنها در هفته‌هایی به همین مناسبت.
- ۲- بازآفرینی موسیقی و ترانه‌های ترکمنی و فولکلور ترکمن با رفتن به میان

و امور شهری می باشد.

ب - تشکیل شوراهای (آق سقال) کارگری و دهقانی برای رسیدگی به شکایات و خواسته های آنها از طریق این شورا، همچنین بازرس گرفتن زمین های غصب شده روستائیان از عوامل مزدور و وابسته به رژیم سابق از طریق این شورا.

ج - تشکیل گروه های دانش آموزان، معلمان پیشگام در مدارس و استفاده از نیروهای آنها در پیشبرد اهداف کانون.

د - تشکیل میتینگ ها و نمایشگاه ها در سطح شهر و مدارس برای بالا بردن سطح آگاهی و شناخت مردم.

درخامه لازم به توضیح است که افرادی که ایمان به اهداف کانون دارند می توانند در قسمت های فوق بدون ضوابط و روابط بوروکراتیک اداری فعالیت نمایند.

مستحکم باد پیوند خلق های مبارز ایران

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

شاخه آق فلا

مورخه ۵۸/۱/۳

(اعلامیه شماره ۴)

خبرنامه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

در منطقه ترکمن صحرا زغایا و دهقانان برای بهره گیری از ثمرات انقلاب وارد عمل شده اند و زمین هایی را که توسط دربار کثیف و عوامل مزدور با زور سرنیزه در دوران اختناق غصب شده بود باز پس می گیرند و مواضع ارتجاع و فئودال ها یکی پس از دیگری درهم می ریزد. با گرفتن زمین ها، مصادره اموال مزدوران به نفع خلق و تشکیل (ساقل) شوراهای دهقانی به وسیله دهقانان پایگاهشان مستحکمتر می شود.

در این هفته خلق زحمتکش شاهد پیروزی در جبهه های متعددی بود. مقدار ۱۵۰۰ هکتار زمین روستاهای «خوجه لوگرکز» توسط دهقانان از قاتلانیه همچون منجم، سروان هنرور نماینده شاهپور غلامرضای کثیف و انصاری گرفته شده و مقاومت ارتجاعیونی همانند حاج بیضانی و حاج روحی کاری از پیش نبرد و دهقانان بحق دیرینه خود رسیدند. متوجه این نکته هم باید بشویم که دهقانان «خوجه لوگرکز» محرومترین دهقانان بوده و به اتهام حق خواهی در زیر شدیدترین شکنجه ها حتی کشیدن ناخن قرار گرفته بودند.

زمین هایی که به وسیله محمدفاریابی حاجی خونخوار غصب شده بود به وسیله دهقانان دلیر و زحمتکش باز پس گرفته شد لازم به توضیح است که فاریابی غاصب با حمایت سرگرد صدری رئیس ژاندارمری وقت گنبدکاووس ده مرجان آباد را با تمام خانه ها و مسجدش درهم ریخته بود تا در آن زمین مزروعی، و عشرت کده ایجاد نماید. اموال سازمان محمد فاریابی که حقاً و منطقی جزء مالکیت دهقانان بود به نفع خلق مصادره شد و توسط شورای دهقانان ثبت گردید. دهقانان روستای «صاتلیق بای زیتونلی» با اتکا و اعتقاد به نیروی خود وارد عمل شدند و زمین هایشان را که همیشه با حسرت به آن می نگریستند و در اختیار غاصبانی همانند یزدانی - وجدانی - تیمسار مرتجع امجدی معاون نصیری بود باز پس گرفتند. دهقانان با ایجاد شورای موقت و تنظیم نیروی قهری در برابر عوامل ارتجاع ضربه مهلکی به جنایتکاران و دزدان وارد آوردند. دهقانان این روستاها با ذوق و شوق تمام همبستگی خود را با اهالی زحمتکش «صاتلیق بای زیتونلی» اعلام داشتند. دهقانان رنجبر متحمل شکنجه های زیادی در دوران حکومت فاشیستی محمدرضا بوده اند و از جمله یکی از آنها را با ۱۰ قطعه عکس به اداره ساواک گرگان منتقل و در آنجا زیر شکنجه و فشار مجبور به امضای سند ساختگی و کاذب شد. وقتی که انسان عیناً شاهد حرکت های دهقانی در چنین سطح گسترده ای می شود به نیروی عظیم خلق عمیقاً ایمان می آورد.

زنده باد دلاوری خلق

پیش به سوی حاکمیت خلق

از کمیته تحقیقات روستاها

۵۷/۱۲/۱۵

درباره «کانون اسلامی و فرهنگی ترکمن»

هم میهنان مبارز و انقلابی:

درگیر و دار جنگ تحمیلی گنبد و هفته‌های قبل از آن گاه و بیگاه اعلامیه‌هایی با امضای کانون اسلامی و فرهنگی ترکمن تحت پوشش اسلام و دیانت بخش می‌گردید که به‌ظاهر مردمی ولی در باطن در خدمت خواست‌های منافع زمینداران بزرگ و روحانیون ثروتمند و مرتجع ترکمن قرار داشت. عناصر وابسته به رژیم جنایتکار شاهنشاهی که پس از قیام پیروزمندان خلق قهرمان ایران در ۲۱ بهمن ماه پنجاه و هفت همه آمدند خود را برای تثبیت سلطه‌گری و حفظ دائمی ثروت‌ها و موقعیت‌های خاصی که در جامعه از طریق زور، دغل، جنایت و خیانت، غصب و... به‌دست آورده بودند، از دست دادند ناچار به‌شیوه دیگر یعنی عوام‌فریبی و مردم دوستی ریاکارانه برای بازگردانیدن موقعیت قبلی خویش مبادرت ورزیدند. شیوه جدید آنها هرگز نمی‌تواند از چشمان تیزبین هر فرد ذی شعوری که مختصر آگاهی سیاسی و اجتماعی داشته باشد و از موضع مردم رنج‌دیده و ستم کشیده به‌جامعه نظر می‌افکند، دور بماند. پیوند ناگسستنی همان دغلکاری‌ها، همان دوز و کلک‌های گذشته و همان فریبکاری‌های ضد مردمی با حرکات و مانورهای گوناگون کنونی‌شان آنچنان عمیق و درعین حال آشکار است که کمتر کسی است که نتواند رابطه آنها را درک کند، اما از آنجا که خلق قهرمان ایران از جریان‌ات و مانورهای ارتجاع در منطقه گنبد و ترکمن صحرا دور بوده است، از آنجا که مطبوعات و رادیو تلویزیون در روزهای آغاز جنگ تحمیلی به‌ترکمن‌ها دقیقاً همان سبک و شیوه رسانه‌های گروهی محمدرضاشاهی را استادانه و بدون کمترین اشتباهی پیاده کرده‌اند و خلق قهرمان ایران را در مقطع زمانی حساس که جنگ در جریان بوده، از يك قضاوت و سمت‌گیری عادلانه محروم نموده‌اند، از آنجا که ما خود وعده داده بودیم طرح توطئه جنایتکارانه ارتجاع و کمیته امام گنبد و همدستان فریب خورده شهرهای دیگر را بر ملا سازیم، اینک گوشه کوچکی از حقایق مربوط به تبلیغات تحریک‌آمیز و نفاق افکنانه (کانون اسلامی و فرهنگی ترکمن) را که اساساً مرده به‌دنیا آمده

بود به‌اطلاع مردم شریف و انقلابی ایران می‌رسانیم:

۱. اعضای کانون نامبرده از وابستگان نزدیک آناقلیچ آخوند نقشبندی روحانی نمای ترکمن وابسته به‌دربار می‌باشند. در روز ۲۰ بهمن ماه ۵۷ قریب چندین هزار نفر جماعت به‌دست از روستائیان ناآگاه و فریب خورده به‌بانه‌های مختلف از روستاها به‌شهر گنبد کشانیده شدند که با رهبری طرح‌ریزی شده عده‌ای از نظامیان و ساواکی‌های ملبس به‌پوشاک ترکمنی و اسلحه سرد و گرم منجر به‌تخریب و آتش‌سوزی و کشتن و زخمی کردن عده‌ای از ساکنین شهر گنبد گردید آخوند نقشبندی که دارای نشان‌های مختلف افتخار از دربار شاهنشاهی منفور پهلوی می‌باشد، یکی از محرکین اصلی این توطئه ضد مردمی می‌باشد.
۲. کانون فوق‌الذکر با بخش اعلامیه‌های مختلف علیه خلق ترکمن موضع‌گیری کرده و بدین ترتیب برای کمک به‌عناصر مشکوک و ساواکی‌هایی که در کمیته امام نفوذ کرده‌اند بهانه‌های تبلیغی فراهم می‌کردند.
۳. اعضای کانون را افرادی مثل عطاجان آخوند قوجقی، داماد نقشبندی، عبدالحلیم عادل، صفرزاده، معصی، هلاکو و آناکوسه غراوی از سرسپردگان مرتجع زمیندار تشکیل می‌دادند.
۴. از آنجا که خلق ترکمن و تمامی دهقانانی که سالیان متمادی تحت ستم زمینداران وابسته به‌رژیم سابق قرار داشته‌اند در جهت استرداد زمین‌های غصب شده خویش نیروی لایزال کار و زحمت خویش را به‌حرکت درآوردند و از آنجا که زمینداران بزرگ که خود بهتر از هر کسی به‌ضعف و خیانت خود واقف بودند نیک می‌دانستند حال که رژیم پهلوی سرنگون شده دیگر پناهگاه چندان برایشان باقی نمانده است و از سوئی در مقابل نیروی سهمگین به‌حرکت درآمده دهقانان که ره آورد انقلاب ضدامپریالیستی و ضد دیکتاتوری همه خلق‌های ایران می‌باشد، یارای مقاومت نداشتند. چاره را در مظلوم نمائی، سوءاستفاده از دین و توطئه چینی دیدند که بلکه درجه نجاتی برای مدتی به‌رویشان گشوده شود، بدین ترتیب به‌نام ترکمن شروع به‌تخطئه و تحریک علیه خلق ترکمن نمودند از جمله در جریان جنگ و برادر کشی که توسط کمیته به‌خلق و رزمندگان فدائی ترکمن تحمیل گردید طی اعلامیه‌هایی با تمام حدت و

شدت می‌کوشیدند روابط ترکمن‌ها را با برادران غیر ترکمن هرچه بیشتر تیره سازند و بخشی از مردم را با بخشی دیگر از مردم مستقیماً در مقابل یکدیگر قرار دهند و از آب گل آلود زمین‌ها و ثروت‌های نامشروع و موقعیت گذشته خود را که به خون خلق ستم‌دیده ترکمن آلوده بود باز یابند.

۵. نمونه برجسته دشمنی این دار و دسته ارتجاعی و ضد خلق ترکمن دزدیدن فشنگ و مهمات رزمندگان فدائی خلق ترکمن و تحویل آن به دشمنان خلق ترکمن توسط آناغزای می‌باشد، نامبرده در حین ارتکاب جرم دستگیر و پس از آتش بس مبادله گردید.

۶. چهارده نفر از روحانی نمایان ترکمن و عوامل ساواک و رژیم سابق با حمایت زمینداران از یکسو و کمیته از سوی دیگر این باضطلاح کانون حرامزاده را به مثابه اهرمی ضد مردمی و اختلال گرانته مورد استفاده و واقعیت‌های زنده و برحق خلق ترکمن را واژگونه جلوه می‌دادند. بدین ترتیب با تحریک افکار عمومی به نفع ارتجاع و کمیته گنبد خوراک تبلیغاتی و تحریکی کافی فراهم می‌ساختند. اما اکنون که جنگ پایان یافته و راه حل سیاسی که قبلاً توسط ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا مطرح شده بود روش پذیرفته شده برای حل مسائل و خواست‌های برحق خلق ترکمن گردیده است، کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، این باضطلاح کانون اسلامی و فرهنگی ترکمن را مصادره و به جای آن شاخه هنری و فولکلوریک خلق ترکمن را بنیاد نهادند تا بدین وسیله فرهنگ و آثار فولکلوریک خلق ترکمن احیاء و در خدمت ترقی و پالندگی خلق ترکمن و همه خلق‌های ایران قرار گیرد.

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا
تهران، ۱۹/۱/۵۸

(اعلامیه شماره ۶)

اجتماع ۲۲ اسفند جمعی از ترکمنان در دانشگاه تهران

ضرورتی که ایجاب کرد که ما در این لحظه، در این مکان جمع شویم، واقعه تنگین و شوم روز ۱۹ اسفند شهر بندر ترکمن (بندر شاه سابق) می‌باشد که در

آن عوامل مسلح و نیروهای ارتجاعی بی‌مسئولیت تحت نام کمیته اسلامی، به‌عده‌ای از ترکمنان بی‌دفاع حمله نموده و منجر به مجروح شدن ۱۳ نفر گردیده است. این عمل نفرت‌انگیز، به دنبال تظاهرات و راه‌پیمایی عظیم سی هزار نفری خلق ترکمن، در بندر ترکمن، که همگام با سایر خلق‌های ایران، خواهان رفع ستم ملی، قومی، اقتصادی و فرهنگی بودند صورت گرفت. عوامل بی‌مسئولیت و ضد انقلابی مسلح، با یورش وحشیانه خود به خلق ترکمن می‌خواستند خواسته‌های به‌حق و منطقی خلق ترکمن را در گلو خفه نمایند، ولی غافل از اینکه نمی‌توانند جلوی حرکت‌های انقلابی مردم را بگیرند. این حمله هولناک کافی نبود که مجدداً در تاریخ ۲۰/۱۲/۵۷ با اعزام فانتوم به این شهر و همچنین شهر گنبد که دیواره صوتی را شکسته و در ارتفاع کمی پرواز می‌کرد، کوشیدند خلق ترکمن را مرعوب کنند. این حملات وحشیانه یا راه‌پیمایی عظیم ۶۰ هزار نفری خلق ترکمن و نیروهای مترقی غیر ترکمن، شدیداً و قاطعانه محکوم شد. خلق ترکمن بدین وسیله اعلام داشت که اگر این نوع تهدیدها و ازعاب ادامه یابد، عواقب و مسئولیت‌های آن مستقیماً با دولت خواهد بود. آیا تجربه آدم‌کشی‌های دوران دیکتاتوری پهلوی منفور کافی نیست؟

آیا می‌توان با کشتن و مجروح کردن خلق‌ها کاری از پیش برد؟ مسلماً خیر. در اینجا به‌نمونه‌ای از خواسته‌های خلق ترکمن اشاره می‌کنیم:

۱- خلق ترکمن همگام با سایر خلق‌های ایران، خواهان رفع ستم ملی و فرهنگی و اقتصادی می‌باشد.

۲- خلق ترکمن خواهان نابودی ارتش ضد خلقی و ایجاد ارتش خلقی است.

۳- خلق ترکمن خواهان شرکت نمایندگان واقعی زحمتکشانشان در شورای انقلابی می‌باشد.

کدامیک از خواسته‌های فوق با انقلاب ایران منطبق نیست؟ ما به‌تولیزبون در مورد عدم پخش خبر واقعه، و سانسور و تحریف آن در رادیو شدیداً معترض هستیم و هرگونه سانسور و انحصارطلبی را محکوم می‌کنیم.

خلق ترکمن به‌هیچوجه به‌اشخاص فاسد و نفاق انداز، در هر لباس و تحت پوشش کمیته انقلاب اجازه نخواهد داد به‌حزیم انسان‌های آزاده تجاوز نمایند. واقعه شوم بندر ترکمن که در تاریخ ۱۹/۱۲/۵۷ اتفاق افتاد به‌این

صورت شروع شد:
 عده‌ای از ترکمنان می‌خواستند تابلوی شهر بندر شاه سابق را که به‌بندر ترکمن تبدیل شده بود نصب کنند که مورد حمله عده‌ای از عوامل ارتجاعی غیر ترکمن قرار می‌گیرند و به‌سختی مجروح می‌گردند، در این میان دیگر ترکمنان به‌طرفداری از افراد مجروح بر می‌خیزند. در این حین افراد عوامل ارتجاعی دست به‌کار می‌شوند و شروع به‌تیراندازی به‌طرف ترکمنان می‌نمایند. این تیرها که اکثراً به‌طرف پاهای شلیک شده، ۱۳ نفر را مجروح می‌نماید. ترکمنان بی‌دفاع هم دست به‌مقابله زده و ۲ نفر را از طرف مقابل مجروح می‌کنند. شب همانروز چند کامیون ارتشی پر از افراد مسلح از ساری و گرگان از طرف کمیته موقت انقلاب اسلامی، عازم بندر ترکمن می‌شود و این رعب و وحشت سراسر شب ادامه داشته است. مجروحین را همانشب به‌بیمارستان شهید سعید نبوی گرگان منتقل می‌نمایند.

ما خلق ترکمن، از دولت موقت بازرگان، می‌خواهیم که هرچه سریعتر به‌وقایع ننگین بندر ترکمن رسیدگی کرده و عاملان منفور آنها که شناسائی شده‌اند، فوراً دستگیر و در دادگاه خلق محاکمه نمایند و هرچه زودتر حکم دادگاه به‌مرحله اجرا درآید.

برقرار باد پیوند خلق ترکمن با خلق‌های تحت ستم جهان
 هرچه مستحکمتر باد پیوند همه خلق‌های ایران با چریک‌های
 رزمنده انقلابی
 برقرار باد حاکمیت خلق

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - شاخه تهران

۵۷/۱۲/۲۲

(اعلامیه شماره ۷)

اخبار

این قطعنامه در حضور بیش از ۳۰ هزار نفر از ترکمنان و هیئت نمایندگان اعزامی کمیته امام که در بندر ترکمن به‌تاریخ یکشنبه ۲۰ اسفند به‌دنبال فجایع ۱۹ اسفند گردآمده بودند قرائت و مورد تأیید قرار گرفت.

پرتوان بادمبارزات قهرمانانه خلق‌های ایران
 انقلاب رهائی بخش ایران که حرکت طوفانی خلق‌های رزمنده ایران را در برداشت، افق روشن و تابناکی از آزادی پیش‌روی مردم ستمدیده ایران نهاد. این ودیعه گراتبهای خون هزاران شهید به‌خون خفته خلق است. پاس داریم این ودیعه گرانقدر را.

خلق ترکمن نیز که سال‌های طولانی زیر ستم ملی دژخیمان منفور پهلوی از ابتدائی‌ترین حقوق خود محروم بود در بیکار با رژیم دیکتاتوری سابق جمعی از فرزندان راستین خلق خود را در جهت تحقق هدف‌های انقلاب ایران از دست داده است. اینک که خون شهدا طلوع آزادی را نوید می‌دهد، خلق ترکمن خواست‌های اساسی خود را در راه تحقق حاکمیت خود بر سرنوشت خویش به‌شرح زیر ارائه داده و خواستار حل فوری آنها می‌باشد.

۱- خلق ترکمن همراه و همگام با سایر خلق‌های رزمنده ایران، ضمن تأیید انقلاب رهائی بخش ایران، بر خود واجب می‌دانند از دستاوردهای انقلاب حفاظت نموده و در جهت ساختن ایرانی آزاد و مستقل نقشی اساسی ایفا نمایند.

۲- خلق ترکمن تلاش‌های مذبحخانه نفاق افکنی و تفرقه‌جویانه در صفوف متحد و متشکل خلق را محکوم نموده این اعمال را دسیسه‌های عوامل ارتجاع و امپریالیسم می‌دانند.

۳- خلق ترکمن خواهان رفع هرگونه ستم ملی و اقتصادی بوده و معتقد است که همه خلق‌ها باید حق داشته باشند که خود سرنوشت خود را تعیین نمایند. خلق‌های ایران باید حق داشته باشند با مذهب خود و با زبان خود و با فرهنگ خود زندگی نمایند.

۴- معتقدیم که باید کلیه زمین‌ها، و احشامی که متعلق به‌خلق بوده و از طرف عوامل رژیم سابق به‌زور سرنیزه غصب شده است به‌صاحبان اصلی آنها مسترد گردد.

۵- با توجه به‌اینکه نیروی اصلی انقلاب را زحمتکشان تشکیل می‌دهند و باید در بهبود وضع زندگی صیادان، کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان توجه کافی مبذول شود. حق مسلم همه زحمتکشان است که

(اعلامیه شماره ۸)

هم میهنان مبارز

ما تعداد یکصد نفر از افراد تحت ستم گنبد اعلام می‌داریم که به دنبال برگزاری يك میتینگ آرام توسط عمال مسلح که بیرحمانه صفوف متحد یکپارچه خلق ترکمن صحرا را به خاک و خون کشیدند، دستگیر و از شب ۵۸/۱/۶ تا به حال بی‌آب و غذا و با انواع و اقسام توهین‌ها و ضرب و شتم در پادگان «نوده» زندانی هستیم. ما که از رنج‌دیده‌ترین اقشار این آب و خاک هستیم و در رژیم گذشته به جان و مال و حیثیت‌مان تعرض شده است اکنون در رژیم انقلابی دولت موقت اسیر توطئه‌های عوامل ارتجاع و تجاوزکارانه حقوق بشر شده‌ایم. از شب دستگیری تا به حال در اتاقی کوچک که حتی جای نشستن کافی برای این تعداد را ندارد شب‌ها را به صبح رسانده‌ایم.

به‌سوی خواهران و مادران ما: بیرحمانه آتش گشوده‌اند و اکنون عده‌ای از خواهران ما در شهربانی گنبد اسیر می‌باشند که با توجه به شناختی که از عوامل دست‌اندرکار داریم هیچگونه اعتمادی به آنها نداشته و نگرانی خود را شدیداً ابراز می‌داریم. ما از درون این محبس تنگ یکصد نفر تمام برادران و خواهران غیور ایرانی و از کلیه سازمان‌ها و دستگاه‌ها و مراکز قانونی و قانون وکلای پیشرو می‌خواهیم هرچه زودتر واکنش نشان داده و صدای حق‌طلبانه خلق ما را به گوش جهانیان برسانند و نگذارند که عوامل ضدانقلاب گرگ صفتی که اکنون در لباس میش درآمده‌اند بیشتر از آنچه اتفاق افتاده ملت ستم‌دیده ما را به خاک و خون بکشند و از داشتن کمترین حقوق اولیه انسانی محروم دارند.

خلق ترکمن صحرا در محبس پادگان نوده

در دولت انقلابی نقش داشته باشد.

۶- ما برآنیم که با توجه به اکثریت خلق ترکمن در منطقه کلیه سیستم‌های اداری و انتظامی باید به‌طور دموکراتیک توسط خود ترکمن‌ها اداره شود.
۷- لغو کلیه دیون و بدهی و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و پیشه‌وران و کارکنان مؤسسات دولتی و خصوصی را خواستاریم.

۸- ما خواستار تشکیل دادگاه‌های انقلابی خلق می‌باشیم تا نور چشمی‌ها و نوکران رژیم سابق را که به‌زور سرریزه بجان و ناموس خلق تجاوز نمودند و خون دهها نفر فرزندان خلق را در این منطقه به زمین ریختند، محاکمه و مجازات نمایند.

۹- ما خواهان تشکیل شوراهای روستائیان، کارگران، دانش‌آموزان و معلمان و کارمندان می‌باشیم

۱۰- ایجاد کانون‌های فرهنگی خلق ترکمن در مناطق ترکمن نشین و اهداف آن مورد تأکید خلق ترکمن است.

۱۱- خلق ترکمن از مبارزات دلیرانه سایر خلق‌های ایران به‌خصوص خلق کرد پشتیبانی نموده و کلیه خواست‌های آنها را بر حق دانسته و تأیید می‌نماید.

۱۲- باید هیچگونه مانعی در راه صیادان جهت صید در دریا و رودخانه‌ها ایجاد نشده و صیادان با تشکیل شورای صیادان آزادانه به صید بپردازند.

۱۳- نظامیان ترکمن باید در مناطق ترکمن نشین خدمت نمایند.

هرچه مستحکم‌تر باد پیوند خلق ترکمن با سایر خلق‌های مبارز

ایران

بر قرار باد حاکمیت خلق

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

روزنامه «صحرای ترکمن» (اعلامیه شماره ۹)

خبری از ترکمن صحرا

روز تشکیل «میتینگ» از طرف کمیته با تیرهوائی و زنبینی اقدام به متفرق کردن مردم می کنند و در ضمن یک سینگار فروش ترا که به اتهام گرانفروشی دستگیر شده بود، هنگام فرار با تیر به قتل می رسانند.

ترکمن ها و نیروهای متوقفی اعتراض می کنند و خواستار مجازات عوامل کشتار می شوند هم اکنون شهر گنبد دو قسمت شده یک طرف ترکمن های و طرف دیگر کمیته گنبد، به اضافه مجاهدهای کمیته های قم - تهران - مشهد - و ارتش که عملاً از آنها پشتیبانی می کند، موضع گرفته اند. سربازهای وظیفه هم که پس از آخرین مهلت بازگشت به پادگان، یعنی ۵ فوروردین به گنبد آمده بودند، برای آنکه در مقابل خلق قرار نگیرند از مراجعه به پادگان خودداری نموده اند. کمیته ای ها برای تجلویگری از فرار سربازان راه ها را کنترل می کنند. نامه زیر توسط ۱۰۰ نفر از اسرای خلق ترکمن که در جریان میتینگ دستگیر شده اند نوشته شده: «ما نماینده محترم دولت موقت انقلابی در گنبد کاووش هستیم. ما تعداد صد نفر از مردم ترکمن صحرا که به دنبال حمله مسلحانه وحشیانه به تجمع خلق ترکمن صحرا به منظور برگزاری یک میتینگ آرام دستگیر و امروز سومین روزی است که در محل (مسجد) پادگان نوده در فضای تنگ و در نهایت مشقت به سر می بریم، اعلام می داریم:

۱. ما بر علیه دشمنان انقلاب گرگ صفتی که امروز در لباس میش موجب از هم پاشیدگی صفوف متحد خلق می شوند اعلام جرم نموده و خواهان رسیدگی فوری و شناسائی قاتلین شهدای خلق ترکمن هستیم.
۲. ما به دستگیری تعدادی کودک و پسر و جوان که بدون هیچ مجوزی دستگیر و تحت انواع و اقسام توهین ها و ضرب و شتم قرار گرفته اند شدیداً

معترض هستیم و قویاً اعلام می داریم که اگر تا ساعت ۲ بعد از ظهر امروز (۵۸/۱/۸) در مورد ما تصمیم گرفته نشود، ما زندانیان جمعیاً و با اعمال زور پادگان را ترک خواهیم کرد و شما و دولت موقت و فرماندهی پادگان نوده مسئول هر اتفاق احتمالی بعدی خواهید بود.

(زندانیان سیاسی خلق توکمن صحرا در پادگان نوده)

رونوشت به: ۱. کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن صحرا. ۲. کانون وکلا. ۳. آیت الله طالقانی. ۴. مطبوعات کشور (آیندگان - کیهان - اطلاعات). ۵. کمیته بین المللی حقوق بشر

(اعلامیه شماره ۱۰)

بیانیه معلمان - دانش آموزان - کارمندان - پیشه وران

خلق غیور ترکمن صحرا

بعد از درگیری کمیته به اصطلاح اسلامی بندر ترکمن با مردم آنجا در روز ۱۲/۱۹ مردم گنبد کاووش در یک تظاهرات وسیع ۳۰ هزار نفری همبستگی خود را با مردم بندر ترکمن اعلام داشتند. در این تظاهرات ارتش ضد خلقی دست به یک مانور زد که همه مردم گنبد آن را محکوم نمودند. در پایان برنامه تظاهرات قطعنامه صادر شد و ضمناً قرائت شد مدارس و ادارات دولتی تا یک هفته و بازار به مدت ۳ روز تعطیل باشد و جمعیتی نزدیک به ۳۰ هزارتن این موضوع را تأیید نمودند.

شایعاتی پیرامون باز بودن مدارس و مغازه ها می باشد. مردم گول این شایعات را نخورید. ما با اعتصاب یک هفته ای خود باید اتحاد کامل خلق ترکمن را به این کمیته های ضد مردمی که هیچ وقت خواهانش نبودیم نشان دهیم.

ادارات دولتی حق ندارند بدون در نظر گرفتن خواست خلق ترکمن دست به کاری بزنند.

مردم!

رادیویی که روزهای ۱۹ و ۲۰ اسفند درخواست خون می کرد امروز

اعتصابی را که به خاطر این خونریزی شده بود تکذیب کرد. و تعطیل مدارس و مغازه‌ها را نادرست خواند. اگر رادیو درست می‌گوید پس چرا حمله فانتوم را اعلام نمود. مردم هوشیار باشید و گول این حرف‌ها را نخورید. تا به دست آمدن آزادی‌های فرهنگی - سیاسی - اقتصادی - به مبارزه حق طلبانه‌مان ادامه می‌دهیم و این شرط ما برای قبول ارگان‌های دولت است. ضمناً به طوریکه اطلاع دارید امروز رئیس دبیرستان خدمات را بدون دلیل گروهی از ضد انقلابیون مورد تهدید قرار داده و به شهر بانی برده‌اند. ما ضمن محکوم کردن این نوع اعمال تحریک‌آمیز و غیر انسانی خواستار مجازات گروه یادشده می‌باشیم.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن ضمن تأیید مطالب فوق پشتیبانی خود را اعلام می‌دارد
۵۷/۱۲/۲۱

پیام کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

طبق اخبار رسیده گروهی بنفاق افکن برخلاف موازین آتش بس اقدام به تیراندازی به طرف خلق ترکمن نموده‌اند. در خیابان فرودگاه هنگام تحویل جسد از طرف این عوامل تیراندازی صورت گرفته و اقدامات مشابهی در دو نقطه دیگر شهر یعنی خیابان‌ها و میدان بار انجام یافته است.

رزمندگان خلق ترکمن:
این گروه ضد خلقی و نفاق افکن که منافعشان را فقط در جنگ افروزی می‌بینند سعی دارند با نقض آتش بس نقشه شوم خود را عملی سازند. لذا باید نهایت هوشیاری و خونسردی را در مقابله با این گروه مرتجع به خرج دهیم. ما این گروه نفاق افکن را عضو نیروی طرف مقابل قرارداد آتش بس نمی‌شناسیم.

بدین وسیله به نیروهای مسئولی که خواهان آتش بس میان طرفین هستند، هشدار می‌دهیم که نگذارند عده‌ای بدخواه و تفرقه‌انداز حرمت این آتش بس را بهم بزنند.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن وابسته
به ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا
۵۸/۱/۱۳
(اعلامیه شماره ۱۱)

به عموم رزمندگان خلق ترکمن

ما با اعتقاد عمیق به وحدت و یکپارچگی و برادری همه خلق‌های ایران، با هر نوع جنگ داخلی و نزاع میان نیروهای خلقی مخالفیم. ما اعتقاد عمیق داریم که مسائل و مشکلات خلق‌های میهنمان، باید از راه‌های مسالمت‌آمیز و با حسن نیت و برادری حل شود.

ما در لحظات کنونی، خود را پاسدار آتش بس می‌دانیم و کسانی را که بهر شکل به آتش بس لطمه بزنند ضد انقلابی می‌دانیم.

دولت انقلابی اسلامی با احترام به خواسته‌های خلق ترکمن می‌کوشد همانند ما آتش بس را برقرار نماید. لذا ما افرادی را که به میمان آتش بس از طریق تحریکات گوناگون لطمه می‌زنند، مخالفین خود و مخالفین دولت انقلابی می‌دانیم. هم ما و هم برادران همدرد ما در سنگرهای مقابل، وظیفه داریم تحریکات این افراد را خنثی کرده و با هوشیاری و قاطعیت، آتش بس را پاسداری کنیم تا هرچه زودتر از طریق مذاکره به نزاع خاتمه دهیم. ما تا کنون در جهت اهداف فوق تعداد هیجده نفر از بازداشتی‌های خود را صحیح و سالم، آزاد کرده‌ایم.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن
وابسته به ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا
۵۸/۱/۱۳

هموطنان مبارز (اعلامیه شماره ۱۲)

خلق ترکمن همانند همه خلق‌های میهنمان در تمام دوران فرمانروایی سلاله شاهان و در طول سلطه پلید امپریالیسم تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار داشته است.

خاندان پهلوی، این دست نشانندگان خائن امپریالیسم، در طول حکومتشان تمامی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ملی ما را با شدیدترین شکل ممکنه پایمال کردند.

شاهپورها و شاهدخت‌ها و دیگر عناصر خائن همچون هژبر یزدانی ترکمن صحرا را حصار کشیدند و با زور سرنیزه، ترکمن‌ها را از مراتع بیرون راندند و خودشان به ایجاد انواع تاسیسات دامداری و غیره پرداختند. در کنار مزارع عظیم خائنانی چون هژبر یزدانی، دهقانان ترکمنی زندگی می‌کنند که حتی به اندازه مسکن خود نیز زمین در اختیار نداشته و ندارند. تحت چنین مظالم اقتصادی و اجتماعی خاندان پهلوی و اشرافیت مستبد وابسته به امپریالیسم، ما را از مجموع حقوق ملی خود محروم کردند نه زبانی برای ما به جا مانده و نه سنتی، فرهنگ ما را که در طی هزاران سال به تدریج شکل گرفته و به بهای خون فرزندان دلیر ترکمن حفظ شده بود متلاشی کردند و بجای آن فرهنگ ضمیمی و ضد خلقی امپریالیسم را به جوانان ما تحمیل نمودند. مجموعه ظلم و ستمی که پیوسته خلق ما را در چنگال خود گرفته بود در دل تک تک مردم این دیار خشم و نفرتی عظیم را نسبت به امپریالیسم و عمال آن و نسبت به هر نوع ظلم و فشار و سلطه طلبی شعله‌ور نمود به‌هنگامی که همه خلق‌های ستمدیده میهن ما برای درهم کوبیدن امپریالیسم و دست نشانگان‌ش وارد یکپارچه شدن، خلق ما نیز در کنار برادران خود کوشید تا سهم خود را ادا کند و در این جنبش آزادی بخش امکاناتش را به کاراندازد. خلق ترکمن انقلاب را به‌گونه‌ای می‌دید که به آزادی و برادری و برابری منتهی می‌شود و با همین دید به مبارزه برخاست پس از اینکه جنبش، امپریالیسم را عقب نشانند و بسیاری از عوامل آنرا درهم کوبید، همه خلق‌های ما شادمانه، فرا رسیدن روز آزادی خود را جشن

گرفتند و در فردای انقلاب، خواست‌های خود را در پیشگاه مردم ایران مطرح کردند تا همه با هم در جهت تحقق آنها بکوشیم. خلق ترکمن نیز به‌نوبه خود با شور و اشتیاق خواست‌های برحق خود را با عموم رزمندگان انقلابی در میان گذاشت و به‌نوبه خود کوشید تا آثار جور و ستم بی‌عدالتی را از پهنه زندگی مردم ستمدیده این دیار پاک کند. دختران ترکمن با شور و اشتیاق، لباس محلی خود را بر تن کردند و همگان با افتخار به زبان خود سخن گفتند و دهقانان ستمدیده زمین‌های غصب شده‌شان را به امید بازیابی آنها نشانه نمودند و همه این حرکات به‌گونه‌ای هدیه انقلاب به خلق ترکمن نمودار می‌شد و مبارزین ترکمن با آمیدی هرچه بیشتر نوید رهایی خلق را از ستم می‌دادند. به همین امید و در جهت همین اهداف بود که شورای فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن را تشکیل دادیم تا در آینده پاسدار سنت‌های خلق ما باشد و تشکیل این شورا را به عموم خلق‌های میهن‌مان مشتاقانه اعلام نمودیم.

راه ما و خواست ما این بوده و هست که ستم از دوش رنجبران بیفکنیم و ایران یکپارچه و آزاد را از طریق اتحاد خلق‌های از بند رسته پی افکنیم. اما در راه چنین کوشش‌هایی انبوه دسیسه‌ها نشسته بود چرا که امپریالیسم و عمال آن وحدت و یکپارچگی خلق‌های ایران را بزرگترین دشمن منافع خود می‌دانند و برای جلوگیری از این وحدت خود را به لباس‌های گوناگون در می‌آوردند، اینان در صفوف خلق رخنه می‌کنند و می‌کوشند تا عناصر ناآگاهی از صفوف خلق را وسیله رسیدن به مقاصد خود قرار دهند. دسیسه‌های آنها در گنبد موثر واقع شد و جنگی ناخواسته را میان ما و برادران ما پدید آورد و عناصر متعصب و ناآگاه آلت دست این توطئه شوم شدند.

چگونه کار به جنگ کشید؟

ما در روز ۶ فروردین ماه ساعت ۲ بعد از ظهر در باغ ملی میتینگ ترتیب دادیم تا پاره‌ای از خواست‌های خود را تشریح کرده و در ضمن به‌کشتار خلق کرد اعتراض نمائیم. هنگامی که بیش از ۲۰ هزار نفر مشغول شنیدن سخنان نمایندگان خود بودند ناگهان چند دسته مسلح از طرف کمیته امام به جمعیت هجوم آوردند. نخست شلیک هوایی کردند و

سپس با پرتاب گاز اشک آور و شلیک بیایی به طرف جمعیت بی دفاع به کشتار آنان پرداختند. این هجوم مسلحانه به هنگام پراکنده شدن جمعیت و حتی تا درون خانه‌ها ادامه یافت و در لحظات نخست به کشته شدن ۳ نفر و مجروح شدن ۱۴ نفر از رنجبران ترکمن انجامید. مهاجمین در حین تعقیب مسلحانه و وحشیانه جمعیت تعداد ۱۲۰ نفر را به گروگان گرفتند ما که با هرگونه نزاع میان خلق‌ها مخالفیم در تمام این مدت کوشیدیم که جمعیت تهییج شده از طریق پراکنده شدن و عقب نشینی از خود دفاع کند اما چنانکه هم اکنون روشن است دسیسه ریشه دارتر از آن بود که حسن نیت خلق ترکمن جلو آنرا بگیرد.

وخشیگری مهاجمین تا بدان حد بود که گروگان‌ها را جلوی خود صف کردند و از پشت سر آنها به ما شلیک می کردند یعنی عملاً سنگری زنده از زرمندگان ما به وجود آورده بودند تا ما را هرچه بیشتر در تنگنا قرار دهند. در مقابل چنین هجوم و تحریکاتی بود که خلق ما ناچار به دفاع مسلحانه از خود شد و کوشید تا از آزمون و شرف خود هرچه سختتر دفاع نماید. و بدین ترتیب کمیته‌های امام خلق ما را به سنگرهای خونین کشانید. در پی این حادثه و در طول نزاع ناخواسته و تحمیلی با کمال تعجب مشاهده کردیم که وجدان از وسائل ارتباط جمعی رخت بر بست و گوینا شاه کماکان افسار تبلیغات را به دست دارد، چرا که جزیک یا دو مورد که گوشه‌ای از واقعیت در مطبوعات منعکس گردید آنچه گفته شد جز مثنی دروغ کثیف و خائنانه، مثنی حرف‌های محمدرضا شاهی، مثنی بلغور اراجیف در خور دیکته کنندگان آنها چیزی در بر نداشت.

نه سخنی از ستمی که بر ما رفت به میان آمد و نه اشاره‌ای به هجوم سرکوبگرانه و خونین کمیته امام شد. خلق هرگز احتیاج به اثبات حقانیت خود ندارد بلکه این مدعیان مدافع منافع خلق هستند که باید ثابت کنند به آنچه می‌گویند واقعاً اعتقاد دارند. آیا این دلسوزی برای خلق است که گروگان‌ها را سیر خود فرار دهند و آیا این بیان حقیقت است که تمام خواست‌های خلق ما را از نظر خلق‌های دیکر ایران پوشیده بدارند، به عناصر متعصب و ناآگاه بگویند که مثنی ساواکی در گنبد می‌جنگد و وظیفه شما کشتار آنهاست؟ این اعمال و چنین سخنان را چگونه می‌توان

توجه کرد؟ قضاوت با مبارزین صدیق راه انقلاب است و بس. خلق ما اعلام می‌کند که جنگ کنونی چنگی تحمیلی است و توسط عناصر مرتجع و ناآگاه ادامه یافته است. اینک که آتش بس بر قرار شده و ما با تمام نیرو خود را پاسدار آن می‌دانیم، به تمام خلق‌های ایران اعلام می‌کنیم که با چشم باز به پهنه بیچار گنبد بنگرید و ببینید چه کسانی با چه شیوه‌هایی و تحت چه شعارهایی آشوب پراه می‌اندازند (و ممکنست در آینده باز چنین کنند).

خلق ما جز رفع ستم (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)، که خواست برحق همه خلق‌های ایران است و جز حفظ وحدت و یکپارچگی میهن پر افتخار خود خواستی ندارد و اعلام می‌کند تنها مرتجعین سیه دلند که چنین خواسته‌هایی را موجب مرگ خویش می‌دانند.

استوار باد همبستگی همه خلق‌های میهن

پایدار باد میهن پر افتخار مان ایران

نابود باد امپریالیسم

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن

وابسته به ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

۵۸/۱/۱۳

در گنبد چه می‌گذرد؟ (اعلامیه شماره ۱۳)

مبارزات حق طلبانه خلق‌های ستمدیده ایران که هزاران شهید به خون خفته را به همراه داشت چیزی جز آزادی و رسیدن به حقوق حقه و دموکراتیک نمی‌بایست به دنبال داشته باشد.

خلق ترکمن نیز همانند دیگر خلق‌های ایران، تحت ستم ملی و اقتصادی وحشیانه‌ای قرار گرفته بود. زمین‌های این منطقه توسط شاهپورها و سرمایه‌داران زالوصفتی چون هژبر یزدانی و... با اعمال شکنجه و کشتار تصرف گردید و کشاورزان را آواره و بی‌خانمان نمود.

خلق ترکمن در دوران سیاه و دیکتاتوری پهلوی همواره مورد ستم فرهنگی، قومی و مذهبی قرار گرفت و دولت مرکزی با تحقیر و شکنجه و آزار نگذاشت که آنان در مورد زبان و فرهنگ مذهب خود تصمیم بگیرند. در این انقلاب رهائی بخش ترکمن‌ها برای اینکه خودشان صاحب زمین‌هایشان شوند، خودشان در مورد زبان، فرهنگ و مذهبشان در چهارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک تصمیم بگیرند وسیعاً به‌مانند دیگر خلق‌های تحت ستم شرکت کردند. در نتیجه کشاورزان این منطقه انتظار داشتند که دولت موقت از خواست‌های به‌حق آنها اعلام پشتیبانی نماید. اما دولت موقت نه تنها از خواست‌های به‌حق آنها در مورد زمین پشتیبانی نکرد بلکه از غاصبان زمین‌های کشاورزان ترکمن نیز حمایت کرده و نمایندگان برای حل این مسئله می‌فرستد که این نمایندگان نیز همانند دوران سیاه دیکتاتوری از کشاورزان می‌خواهند که از مصادره زمین‌های غصب شده خودداری کنند.

اکنون برای همه روشن است که در روز ۵/۱/۵۸ افراد کمیته امام (که نفوذ عمال ساواک در آن برکسی پوشیده نیست) در گنبد با اعمال وحشیانه‌ای که از خود نشان دادند یک نفر را کشتند و در روز بعد به‌میتینگ بیش از ۲۰ هزار نفری مردم گنبد حمله کردند و دست به کشتار و تخریب زدند ولی صدا و سیمای انقلاب اسلامی بیش از ۲۰ هزار نفر مردم ترکمن را ضدانقلابی معرفی کرده و اعمال وحشیانه کمیته امام را به‌حق می‌داند. این تبلیغات به‌دنبال توطئه‌های از پیش طرح‌ریزی شده، مجموعه عواملی بودند که خلق ترکمن را در گنبد وارد جنگی ناخواسته و تحمیلی ساختند، جنگی که در آن به‌وحشیانه‌ترین شکلی دست به کشتار زن‌ها و کودکان بی‌دفاع ترکمن زده شد، ولی تمامی دستگاه‌های تبلیغاتی و تمامی عوامل ارتجاع دست به‌دست هم می‌دهند تا این جنگ را جنگی بین انقلابیون از یک طرف و ساواکی‌ها و زمین‌داران و غیره از طرف دیگر جلوه دهند و زمانی نیز سخن گوی دولت به‌طور کلی منکر وجود ترکمن‌ها، در طرف مقابل شده و گویا فقط خراب‌کاران غیر ترکمن هستند که از نقاط دیگر آمده‌اند تا گنبد را به آشوب بکشند. غرض ورزی تا بدانجا می‌کشید که تیراندازی به طرف مردم گنبد را از داخل آمبولانس وارونه جلوه داده و چنین وانمود ساختند که گویا این ترکمن‌ها بودند که به‌سوی آمبولانس‌های حامل زخمی‌ها آتش اگشودند، تا افکار

عمومی را از اختیار واقعی روی دادها منحرف کنند. بدین وسیله و با تحریک عواطف مذهبی مردم ما، کمیته‌های امام عده‌ای از جوانان کم سن و سال را بسیج کرده و به‌سوی ترکمن صحرا می‌فرستد. راستی مسئولیت این همه کشتار با کیست؟

چه کسی مسئول کشته شدن آن جوان هفده ساله‌ای است که از شهرش و از میان خانواده‌اش او را بیرون آوردند تا یا برادرش را بکشد و یا به‌دست او کشته شود؟ اعترافات افرادی که به‌دست رزمندگان خلق ترکمن بازداشت شده‌اند حاکی است که به‌آنها گفته شده چون کمیته امام می‌خواست دو ساواکی ترکمن را دستگیر کند ترکمن‌ها نگذاشتند و این همه کشته را به‌خاطر این دو ساواکی دادند!

با ایجاد یک چنین جوی و با یک چنین تبلیغاتی هر روز دامنه جنگ و کشتار را گسترده‌تر می‌سازند. علیرغم درخواست‌های پیاپی رزمندگان خلق ترکمن برای انجام آتش‌بس، دست به‌تحریک و ادامه جنگ می‌زنند تا زمینه دخالت ارتش را آماده سازند. با آنکه از ساعت ۷ بامداد روز یکشنبه ۵۸/۱/۱۲ رزمندگان خلق ترکمن اعلام آتش‌بس کرده و حتی یک تیر نیز شلیک نکرده‌اند، اما به‌دنبال اخطار دولت مبنی بر اینکه اگر تا ساعت ۳ بعد از ظهر روز دوشنبه ۵۸/۱/۱۳ آتش‌بس برقرار نگردد، ارتش دخالت خواهد کرد، عوامل مرتجع و مشکوک در درون کمیته‌های امام به‌دفعات آتش‌بس را نقض کرده و می‌کوشند تا آن زمان مشعل جنگ را برافروخته دارند که همه چیز برای دخالت ارتش و به‌دنبال آن کشتار هرچه بیشتر مردم زحمتکش آماده گردد.

ما از تمامی خلق‌های قهرمان ایران، برای جلوگیری از کشتار بیشتر مردم ترکمن برای تحقق خواست‌هایمان کمک می‌خواهیم، چرا که معتقدیم خواست‌هایمان در چهارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک خواست‌هایی مشروع و به‌حق بوده و هر دولت انقلابی و دموکراتیک باید آنها بپذیرد و به‌آن عمل کند.

هرچه استوارتر باد پیوند همه خلق‌های ایران

مرگ بر تفرقه‌اندازان و نفاق افکنان

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - بندر ترکمن

نگ بر توطئه گران و نفاق افکنان

در دوران حاکمیت رژیم خونخوار پهلوی و نوکرانش خلق ترکمن در نتیجه ستم‌های ملی و اقتصادی، بسیاری از حقوق مسلم خود را از دست داد. اراضی مزروعی دهقانان ترکمن توسط عمال دربار پهلوی و سرسپردگانش به غارت رفت. حقوق حقه صیادان ترکمن همچون سایر نقاط کشور پایمال شد. فرهنگ ملی و سنت‌های قومی به اضمحلال کشیده شد. ولی فرزندان راستین خلق ترکمن در دوران سیاه اختناق به طرق گوناگون به مبارزه خود علیه رژیم پهلوی ادامه داد و در انقلاب رهائی بخش خلق‌های ایران همگام با سایر خلق‌های تحت ستم شرکت جست و اکنون که در نتیجه سقوط رژیم پهلوی خلق ترکمن جهت دفاع از دستاوردهای انقلاب و بازگرداندن حقوق از دست رفته خود به پا خاسته است عمال رژیم سابق و ارتجاع داخلی در مقابل خواست‌های برحق خلق ترکمن به کارشکنی پرداخته و در صدد تحریف حقایق هستند. چه کسانی به ندای حق طلبانه خلق ترکمن با رگبار مسلسل‌ها پاسخ می‌دهند؟ چه کسانی شرکت کنندگان در میتینگ مسالمت‌آمیز خلق ترکمن را به گلوله می‌بندند و دست به کشتار مردم بی‌دفاع می‌زنند؟ چه کسانی سعی در ایجاد اختلاف بین ترکمن و غیر ترکمن (فارس، ترک، زابلی، و غیره) دارند؟ بدیهی است که اینها نوکران امپریالیست‌ها و ارتجاع داخلی می‌باشند، که با فریفتن اذهان عمومی و جوانان وطن آنها را وادارند که به جنگ و برادرکشی دست بزنند تا از این راه منفعتهای حقیقی شخصی خود و اربابانشان را تأمین نمایند. نوکران سرسپرده امپریالیسم و ارتجاع داخلی باید بدانند که خلق قهرمان ترکمن تا پیروزی نهائی انقلاب رهائی بخش خلق‌های ایران و تحقق آرمان‌های دموکراتیک خود همگام با سایر خلق‌های مبارز ایران به مبارزه بر علیه آنها ادامه خواهد داد و در این راه از هیچ‌گونه فداکاری و جانبازی دریغ نخواهند نمود. خلق رزمنده ترکمن با هوشیاری انقلابی خود

تلاش‌های مذیوخانه عوامل ارتجاع را نقش بر آب کرده و اجازه نخواهد داد که عوالم سرسپرده امپریالیسم و ارتجاع داخلی در لباسی جدید و ماسکی تازه نیات پلید و ضدانسانی خود را اجراء نمایند. ما خواست‌های برحق خود را مطرح کرده و بازهم می‌کنیم و هرگونه تمایلات تجزیه‌طلبی را قویاً محکوم می‌نمائیم. خلق ترکمن خواستار حق تعیین سرنوشت خود به دست خویش در چهارچوب حاکمیت خلق‌های ایران می‌باشد. لذا طرح مسئله فارس‌ها و ترکمن‌ها و یا شیعیان و سنی‌ها جز دامن زدن به درگیری‌های خونین درون خلقی که مستقیماً به نفع امپریالیست‌ها به سرکردگی آمریکا و عمال خود فروخته رژیم سابق و به ضرر خلق‌های ایران می‌باشد، نتیجه دیگری عاید مردم ایران نخواهد کرد خلق ترکمن همچون خلق‌های کرد، بلوچ، ترک، ... آن حقوقی را خواستار است که تضمین کننده بقای آداب و رسوم، زبان و فرهنگ ویژه و تاریخ آن باشد. ما به حقانیت راه خود ایمان داشته و مصراانه از دولت موقت انقلابی آقای بازرگان خواستاریم که در مورد قطع جنگ و برادرکشی در این منطقه سریعاً اقدام نموده و به خواست‌های برحق خلق ترکمن پاسخ دهد.

هرگونه تأخیر در این مورد موجب ادامه کشتار و خونریزی‌های بیشتر است، در این صورت دولت موقت مسئولیت عواقب این کشتار را بر عهده خواهد داشت.

دروود بر شهدای راه آزادی

دروود بر رزمندگان شجاع خلق ترکمن

هرچه مستحکمتر باد پیوند همه خلق‌های ایران

نابود باد ارتجاع

برقرار باد حاکمیت خلق‌ها

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

وابسته به ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

مورخ ۵۸/۱/۱۳

(اعلامیه شماره ۱۵)

توطئه‌های عوامل ارتجاع و ضد مردمی را افشا

سازیم!

مردم مبارز مازندران!

وقایع اسف بار گنبد موجب نگرانی تمام نیروهای انقلابی و مترقی شده است. این وقایع به خوبی نشان می‌دهد که مجریان توطئه‌های امپریالیستی و عناصر ارتجاعی و وابستگان به رژیم منفور پهلوی از پای نشسته و می‌خواهند مردم مبارز ما را از هدف مبارزه با امپریالیست‌ها و دشمنان خلق باز داشته و به سوی یک جنگ درون خلقی ناخواسته منحرف سازند؛ تا شاید زمینه‌های مناسب برای اجرای توطئه‌های شوم دیگری در آینده علیه خلق ما را فراهم آورند. به دنبال این توطئه‌ها، این روزها در بعضی از شهرهای مازندران نیز مشاهده می‌شود که عناصر ارتجاعی و ضد مردمی سعی دارند تا از ناآگاهی مردم سوء استفاده کرده و با تحریک احساسات مردم و یا پخش شایعات و اکاذیب در مورد دخالت نیروها و سازمان‌های انقلابی به ویژه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و هواداران آن، تبلیغات سوء وسیعی را علیه این نیروها به راه انداخته و اذهان عمومی را در این مورد مشوش سازند.

این عناصر ارتجاعی و ضد مردمی تلاش دارند، از پیوند نیروهای انقلابی و توده‌های مردم ممانعت به عمل آورده و با لوٹ نمودن چهره سازمان‌ها و نیروهای انقلابی در این شهرها، جوی ضد انقلابی به وجود آورند. به ویژه اینکه با پخش اکاذیب و شایعات بی‌اساس سعی دارند اینچنین وانمود کنند که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در شروع و یا تداوم جنگ نابرابر خلق ترکمن دخالت داشته و یا عامل این حوادث ناگوار بوده است.

ما اعلام می‌داریم که این توطئه بزرگی علیه بزرگترین سازمان رزمنده است که در سال‌های اختناق، با مبارزات پیگیر حقانیت راه خود را ثابت کرده است.

ما اعلام می‌داریم عاملین این توطئه‌ها، ایدای امپریالیست‌ها و دست نشانده‌گان مرتجع داخلی آنها بوده که برای ایجاد تفرقه در صفوف مردم و بازگرداندن سلطه ضدانقلاب عمل می‌کنند. اینک ما به منظور روشن نمودن اذهان عمومی چگونگی ماجرا را به اطلاع می‌رسانیم:

در روز پنجم فروردین بین یک جوان ترکمن سیگارفروش و یکی از اعضای کمیته امام بر سر قیمت فروش سیگار اختلاف ایجاد می‌شود و عده‌ای ترکمن که شاهد جریان هستند از سیگارفروش حمایت می‌کنند؛ این اختلاف منجر به تیراندازی از طرف اعضای کمیته می‌شود که نتیجتاً یک نفر کشته می‌شود. فردای آنروز یعنی روز ششم فروردین با اعلام قبلی شورای فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن قرار بود میتینگ برگزار شود. از این رو مخصوصاً برای جلوگیری از هرگونه درگیری و برادرکشی از شرکت کنندگان مصراً خواسته می‌شود که از حمل هرگونه سلاح خودداری شود ولی متأسفانه در حین برگزاری میتینگ مردم مشاهده می‌کنند که به وسیله ریه‌های ارتشی حامل سربازان و افرادی که نقاب بر صورت دارند محاصره شده‌اند که با گذشت مدت کوتاهی این افراد ابتدا شروع به تیراندازی هوایی و سپس تیراندازی به سوی مردم بی‌دفاع می‌کنند. مردم اجباراً متفرق می‌شوند و در این میان تعدادی کشته و زخمی بجای می‌گذارند و افراد کمیته صد نفر را دستگیر و به پادگان نوده می‌برند که بر اساس اطلاعیه‌ای در تاریخ ۵۸/۶/۱۱ اعلام داشته‌اند که در غیرانسانی‌ترین وضعی نگهداری می‌شوند و نه تنها جای نشستن ندارند بلکه آب و غذا به آنها داده نمی‌شود. در همین جا می‌پرسیم چه کسی آغازگر کشتار مردم است؟ و اما تداوم جریان، مردم که شهیدان، مجروحین و بستگان در بند خود را می‌بینند و شاهد تهاجم عناصر ناآگاه و ارتجاعی هستند، مجبور به دفاع مسلحانه از خود می‌شوند، در شرایطی که می‌بینیم افراد کمیته راه را برای هر نوع کمکی به برادران و خواهران ترکمن سد می‌کنند. از شهرهای دیگر نیز عده زیادی را بدون آنکه حتی به آنها بگویند برای چه می‌روند برای سرکوب مردم به گنبد اعزام می‌کنند، چرا؟ و در شرایطی که می‌گویند آنها که شورش!! کرده‌اند نه ترکمن هستند و

نه فارس، آنها مشتق ضدانقلابی هستند، نه تنها از تمامی شهرهای اطراف بلکه حتی از شهرهای مشهد و قم نیز برای سرکوب مردم نیرو می‌فرستند. اگر به راستی آنها مشتق ضدانقلابی بودند پس اینهمه نیرو برای چیست؟ ما قضاوت این موضوع را که خلق ترکمن شورش کرده است یا نه و اینکه آنها ضدانقلابی هستند یا نه به آنهایی واگذار می‌کنیم که تحت هر نام و عنوان به آنجا رفتند و از نزدیک مسائل را دیده و بررسی کردند و از تمامی افراد مسئول و آگاه می‌خواهیم که به‌گنبد بروند و مسائل و حقایق و خواست‌های به‌حق خلق ترکمن را بررسی کنند و برای آگاهی اذهان عمومی صادقانه نظرات خود را اعلام کنند. ما از هم اکنون از تمامی کسانی که این مسئولیت را به‌عهده می‌گیرند سیاست‌گذار خواهیم بود. در روز هشتم فروردین پیشنهاد ۷۲ ساعت آتش‌بس جهت حل مسائل می‌شود ولی مردم در روز نهم فروردین شاهد مانور جت‌های فانتوم بر فراز شهر و رگبار مسلسل‌های سنگین به‌منازل خود هستند چرا؟ ما در گذشته چندین بار شاهد مانور فانتوم‌ها بر فراز شهرها بوده‌ایم. راستی این فانتوم‌ها را اصلاً برای سرکوب خلق‌های مبارز ایران خریده‌اند، ما این توقع را از رژیم ضد مردمی و دیکتاتوری شاه داشتیم و این طبیعی بود ولی امروز چرا؟ چه کسی فرمان پرواز این فانتوم‌ها را بر فراز شهرهای سنندج و گنبد صادر می‌کند؟ چه کسی فرمان رگبار مسلسل از هلی‌کوپتر را بر روی مردم سنندج و گنبد صادر می‌کند و چرا؟ ما از تمامی مردمی که به‌خون هزاران شهید گلگون کفن که بر علیه استبداد و اختناق و امپریالیسم جنگیدند و جان باختند، احترام می‌گذارند و از تمامی مردمی که قلبشان به‌خاطر ایران آزاد و مستقل می‌تپد می‌خواهیم که به‌این چراها فکر کنند و منصفانه به‌آن پاسخ گویند. پی‌آمد جریان تا آنجا که ما اطلاع داریم ادامه‌داری بوده است و نتیجه آن ریختن خون دهها جوان از دو سوی است که در کشتاری ناخواسته و به‌تحریک عوامل ضد انقلابی و ارتجاعی درگیر شده‌اند و جان باختند و صدها مجروح و مصدوم و ویرانی و بالاتر از همه اینها تفرقه در میان صفوف متشکل خلق دست آورد آن به‌نفع کیست؟ به‌عقیده ما هیچکس جز امپریالیسم و عوامل داخلی اش نیست. عوامل ارتجاع و امپریالیسم با تبلیغات سوء و تحریف وقایع می‌کوشند

سازمان چریک‌های فدائی خلق را در این ماجرا مقصر جلوه دهند. سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران بلافاصله و از همان آغاز درگیری‌ها موضع خود را طی دو اعلامیه تحت عنوان «اعتراض به‌صدا و سیمای انقلاب اسلامی» و اطلاعیه مورخه ۵۸/۱/۹ صریحاً اعلام داشته است.

«سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران اعلام کرده است که هرگونه تفرقه را در درون صفوف خلق محکوم می‌کند و همواره این را متذکر شده است که هرگز به‌روی نیروهای درون خلقی اسلحه نخواهد کشید و هرگونه درگیری و کشتار نیروهای مردمی را محکوم می‌کند.

در مورد ترکمن صحرا سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران از همان اولین روزهای درگیری بسیار سعی کرد که در برقراری آتش‌بس بین دو طرف مؤثر باشد و درین رابطه نیز هم اکنون اکیبی از طرف سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران همراه با اکیب‌های دیگر برای برقراری آتش‌بس در منطقه مشغول فعالیت مداوم هستند.

ما یکبار دیگر صریحاً اعلام می‌داریم که هرگونه تفرقه در صفوف متشکل خلق و هرگونه برادرکشی را شدیداً محکوم نموده و آنرا جز به‌سود امپریالیسم و دست‌نشانندگان داخلی نمی‌دانیم.

مرگ بر توطئه‌گران و تفرقه‌افکنان

بر قرار باد وحدت تمامی نیروهای درون خلقی

هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

(ساری)

۱۳۵۸/۱/۱۳

(اعلامیه شماره ۱۶)

چرا آتش‌بس در جهت منافع ترکمن و تمامی خلق‌های

ایران است؟

جنگ خونین گنبد چگونه آغاز گردید؟ پاسخ بدین سؤال سرمنشاء شناخت حقایق مربوط به‌جنگ برادرکشانه گنبد می‌باشد.

ترکمن‌ها، سنی‌ها و شیعیان، انقلابیون و ضد انقلابیون، مسلمانان و کافران و غیره و غیره... شکل گرفت. مبارزین ترکمن که وسایل انتشاراتی مستقر در محل ستاد و کانون خود را از دست داده بودند تحت پیگردهای حساب شده و خطر دستگیری نتوانستند و امکان آنرا نداشتند که مردم ایران را به این حقایق آشنا سازند تا افکار عمومی خلق ایران یا دریافت يك جانبه اطلاعات به ظاهر درست به قضاوت ننشینند. از سوی دیگر تحت شرایط حمله مسلحانه به میتینگ آرام مردم و عدم پاسخ حداقل مساعد مسئولان به کوچکترین خواسته‌های برحق خلق ترکمن و ترس و وحشت از يك یورش همه جانبه و حساب شده توسط کمیته امام گنبد در اذهان بخش ترکمن‌نشین، آنچنان شرایط بدبینانه در شهر گنبد جاکم گردید که کمترین اعتمادی که شرایط ضرور و اولیه هر آتش‌بس است از بین رفت تا هر تلاش هرچند مختصری برای جلوگیری از دامنه جنگ مؤثر واقع شود. بدین ترتیب عملاً جنگ مردم با مردم، جنگ بخشی از خلق با بخش دیگر خلق آغاز گردید و به سرعت دامنه یافت. فرصت‌طلبان، عمال زمینداران بزرگ و وابستگان به رژیم منفور پهلوی و ساواکی‌ها و همه آنهائی که از مدتها پیش تلاش مذبحخانه‌شان در نفاق افکنی مؤثر واقع نمی‌شد با واقعی جلوه دادن شایعات تحریک‌آمیز و غیره هیزم به آتش نفاق و درگیری مردم می‌افزودند. طبیعی است که این جنگ دشمنان انقلاب خلق ایران و تمامی عوامل رژیم سابق و امپریالیست‌ها را خشنود کرده است. اما متأسفانه حملات نظامی کمیته امام و پیشروی به سوی محلات ترکمن‌نشین جای شکی برای مردم باقی نگذاشت که هرگونه تأخیر و تعلل موجب خسارات مالی و جانی غیر قابل حسابی خواهد گردید.

کارشکنی‌ها و تحریکات هیجان آور ناشی از عمال ساواک که در کمیته امام گنبد نفوذ کرده‌اند با دامن زدن به عداوت‌ها که بخش اعظم آن از ناآگاهی عده‌ای از رزمندگان مسلح کمیته امام که از شهرهای دیگر به گنبد آمده بودند و به هیچ وجه از شرایط اجتماعی و فرهنگی مردم گنبد اطلاع نداشتند سرچشمه می‌گرفت، از یکسو و آماده شدن بخش ترکمن‌نشین جهت دفاع از خود که همچون همه کسانی که مورد هجوم مسلحانه قرار گرفته‌اند، دست به ضروری‌ترین، بدیهی‌ترین و ابتدائی‌ترین واکنش یعنی دفاع از خود زده و با تمام قوا از جان خویش دفاع می‌کردند از سوی دیگر، عملاً موجب شدت

با حمله افراد مسلح کمیته انقلاب امام در روز ۵۸/۱/۶ به میتینگ آرام قریب به ۲۰ هزار تن از مردم ترکمن و سپس حمله مسلحانه توأم با گاز اشک‌آور به محل ستاد مرکزی شوراهای خلق ترکمن صحرا و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن جمعاً ۳ تن کشته و ۱۴ نفر زخمی و حدود ۱۲۰ نفر دستگیر گردیدند. بدین ترتیب آتش جنگ و برادرکشی افروخته گردید. جنگی ناخواسته و تحمیلی که مردم ترکمن صحرا را به طور اجتناب‌ناپذیری فراگرفت و مدت ۹ روز به طور مستمر و بدون وقفه ادامه یافت. تمام وسائل داخل ساختمان ستاد مرکزی و کانون فرهنگی تخریب و به آتش کشیده شد و ساختمان توسط افراد کمیته اشغال و به صورت سنگر نظامی درآمد. مبارزین وابسته به ستاد مرکزی شورا با این یورش باور نکردنی کمیته امام به مردم و ستاد مرکزی پراکنده گردیده و در صدد دفاع و چاره‌جویی برآمدند. سرگیجه اولیه ناشی از حمله غافلگیرانه با مردم و محل، ستاد مرکزی شوراها و کانون فرهنگی خلق ترکمن را تکان داد و جبراً در مقابل شرایط جدید به طور غریزی وسایل دفاع را فراهم کرده و با شرکت همه جانبه خود در عملیات مقدماتی دفاع از جان خود و فرزندان و منازل خویش، رزمندگان خلق ترکمن را یاری رساندند و دست به ایجاد سنگر بندی و تیراندازی‌های متقابل دفاعی زدند. حمله مسلحانه به طرف مردمی که بی‌سلاح در میتینگ آرام و مسالمت‌جویانه روز ۶ فروردین شرکت کرده بودند موجب وحشت و اضطراب زایدالوصف ترکمن‌ها گردید. تحت شرایط مادی و روانی انواع شایعات هراس‌آور که با اعمال بعدی عده‌ای از اعضای مسلح کمیته امام دامن زده می‌شد، در ذهن مردم ترکمن شبیحی از قتل عام و غارت و بازداشت‌های جمعی ایجاد کرده، یورش مسلحانه و شروع برادرکشی منجر به نفاق بین دو قسمت شهر یعنی بخش غیر ترکمن‌نشین و بخش ترکمن‌نشین (که چندان هم از یکدیگر جدا نیست) گردید در بخش غیر ترکمن‌نشین با بخش انواع و اقسام شایعات تحریک‌آمیز مبنی بر اینکه ترکمنان وحشی هستند ترکمنان آمدند (کنایه از حمله مغول‌ها است) و بیجان و مال و ناموس مردم تجاوز می‌کنند، در فلان جا سر بریده‌اند و در بهمان محل به منازل مردم غیر ترکمن حمله کرده و اموال و زنان را به غارت برده‌اند و... يك فضای ذهنی منفی بسیار هیجانی بر علیه ترکمنان به وجود آوردند و خط مرزهایی نظیر فارس‌ها و

یافتن دامنه جنگ گردید. مسئولترین دستگاهی که قادر به پایان دادن جنگ می باشد دولت است. دولت که در ابتدا مسئله را چندان جدی نگرفته بود برای پایان دادن جنگ دخالت کرد و هیأت های رسمی و غیر رسمی مأمور برقراری آرامش گردیدند. به دنبال آن پس از تماس های اولیه آتش بس اول اعلام گردید. اما نیروهای کمیته امام که از مشهد ساری، شاهرود، بابل سر تهران، به شهر، شهنسوار، گرگان، آزادشهر (شاه پسند سابق) و... آمده بودند عمده حاضر به آتش بس نبودند زیرا که آنها نه تنها برای آرامش به گنبد نیامده بودند بلکه اساساً برای سرکوب مسلحانه و جنگیدن با ترکمن ها به گنبد اخضار شده بودند. لذا بهیچوجه خود را موظف به رعایت آتش بس نمی دیدند به خصوص اینکه نمایندگان رسمی و غیر رسمی دولت از اختیار چندانى برخوردار نبودند. بدین ترتیب آتش بس در مدت کمتر از يك ساعت توسط کمیته امام شکسته شد.

انعکاس درگیری مسلحانه گنبد در مطبوعات و رسانه های گروهی هر چند که صد درصد یکطرفه و بدون اطلاع از طرف دیگر درگیری، یعنی نظرات ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و خود مردم ترکمن صورت گرفته بود، به هر حال مسئله را به طور جدی در دستور کار دولت موقت انقلابی قرار داد و يك هیأت تام الاختیار به گنبد اعزام گردید. علیرغم قطع ارتباطات تلفنی و زمینی و غیره نمایندگان تام الاختیار دولت با نمایندگان مردم ترکمن گنبد تماس برقرار کرده و پس از اعتمادهای اولیه از ساعت ۷ روز دوشنبه ۵۸/۱/۱۳ آتش بس از جانب دو طرف اعلام گردید. آتش جنگ فروکش کرد اما تمام روز دوشنبه تیراندازی ها ادامه یافت. رزمندگان ترکمن با صبر و بردباری و با درک مسئولیت خطیر خود آتش بس را رعایت می کردند. در عین حال مذاکره برای برقراری آتش بس ادامه می یافت. در روز سه شنبه (روز دوم آتش بس) عناصر ساواکی و جنگ طلبان ناآگاه کمیته امام (نه همه شان) نقشه شکستن آتش بس را طرح کردند. به ویژه هر شامگاهان حدود ۴ ساعت تمام با تیراندازی با سلاح های سبک و مخصوصاً نارنجک اندازی به سوی سنگرهای رزمندگان ترکمن و خانه های آنها که نسبت به روزهای قبل از آتش بس از لحاظ شدت آتش بی نظیر بود، حداکثر کوشش نفاق افکنانه خود را در شکستن آتش بس به کار بردند. اما واکنش رزمندگان ترکمن با تمام خطراتی

مرگ بر تفرقه افکنان و آتش افروزان جنگ

نابود باد امپریالیسم و نوکران داخلی آن

هرچه مستحکم تر باد پیوند خلقهای ایران

پیروز باد مبارزات حق طلبانه همه خلق های ایران

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

۵۸/۱/۱۶

(اعلامیه شماره ۱۷)

تفرقه اندازان را افشا کنیم

در چند روز اخیر عده‌ای تحت عناوین (گروهی از دانشجویان دانشگاه صنعتی) و (کانون فرهنگی اسلامی ترکمن) اقدام به نشر اکاذیب و اراجیفی در خصوص وقایع اخیر گنبد نموده کوشش دارند تا با عوام فریبی و دوز و کلک وقایع راتحریف و افکار عمومی را از سیر در جهت صحیح بازدارند و بدین وسیله نقشه‌های شوم و تفرقه اندازانه خود را که خواه ناخواه در جهت منافع امپریالیست‌ها و ارتجاع داخلی می‌باشد اجرا نمایند. اینان که به‌ظاهر عقیده دارند اکنون وقت سازندگی است و با ایجاد تشنج در محیط مخالف هستند چطور جرأت می‌کنند و به‌خود اجازه می‌دهند که در روزنامه مطالب خلاف واقع نوشته و ادعا کنند که ترکمن‌ها با فتودال‌ها و عوامل رژیم سابق جبهه مشترکی بر علیه پاسداران انقلاب تشکیل داده‌اند؟ این گروه به اصطلاح تحقیقی (که البته در ماهیت آن جای صحبت زیادی هست) کدام یک از این فتودال‌ها و یا عوامل رژیم سابق را در سنگر ترکمن‌ها دیده است که اینچنین قلب واقعیت نموده و سعی در گمراه ساختن افکار عمومی می‌نمایند؟

بر هیچ وجدان آگاه و بیداری پوشیده نیست که خلق ترکمن هیچوقت بازیچه و عامل فتودال‌ها و عوامل رژیم سابق نبوده و نخواهند بود، بلکه برعکس منافع خلق با فتودال‌ها و عوامل رژیم سابق همیشه در تضاد بوده است. زیرا خلق ترکمن خواهان رفع ستم ملی و اقتصادی است و این خواست زمانی تحقق خواهد یافت که فتودال‌ها و عوامل سرسپرده رژیم سابق نابود شده باشند.

اکنون که خلق ترکمن جهت احقاق حقوق حقه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود به‌پا خاسته است و می‌رود که مواضع ارتجاع و سرمایه‌داران وابسته را یکی پس از دیگری در منطقه نابود ساخته و آنان را به‌گور سپارد، طبیعی است که اینها نیز جهت حفظ منافع و موقعیت خود دست به‌ر عمل جنایت‌بار و کثیفی خواهند زد و اینجاست که توطئه‌ها و تفرقه‌افکنی‌ها آغاز می‌گردد. در جریان جنگ نه‌روزه، سیر وقایع نشان داد

که سرمایه‌داران وابسته و عوامل رژیم سابق هنوز نیز، در ارگان‌های مملکتی نفوذ داشته و تا چه حد در فریفتن و برانگیختن گروهی ناآگاه از مردم علیه خواست‌های برحق خلق موفق هستند.

کم توجهی دولت مرکزی نسبت به خواست‌های برحق خلق ترکمن از یکطرف و غرض‌ورزی مسئولان کمیته امام گنبد از طرف دیگر باعث شد که سرمایه‌داران وابسته و عوامل سرسپرده رژیم سابق با دست بازتری به تحریکات خائنانه خود علیه خواست‌های برحق خلق ترکمن مشغول شوند و تا آنجا پیش رفتند که علناً جنگ و برادرکشی را در گنبد آغاز کرده و جنگی ناخواسته را به‌خلق ستم‌دیده ترکمن تحمیل نمودند. اکنون که در اثر دفاع شجاعانه و برحق خلق ترکمن این عوامل خودفروخته و سرمایه‌داران وابسته به‌نیات پلید و ضدانسانی خود دست نیافته‌اند از راه دیگری وارد شده و این بار از طریق نشر اکاذیب و اخبار جعلی مقاصد پلید و تفرقه‌افکنانه خود را دنبال می‌کنند (کانون فرهنگی - اسلامی ترکمن) و (گروهی از دانشجویان دانشگاه صنعتی) بلندگوئی هستند که در جهت تحقق اهداف نامقدس این عوامل خودفروخته و سرمایه‌داران وابسته به‌تلاش‌های مذبحخانه خود ادامه می‌دهند، غافل از اینکه خلق زحمتکش ترکمن همگام با سایر خلق‌های تحت ستم به‌مبارزه خود در راه به‌دست آوردن حقوق دموکراتیک تا پیروزی نهائی ادامه خواهد داد و هیچ نیروئی نخواهد توانست سد راه جنبش حق‌طلبانه خلق ترکمن گردد.

مرگ بر تفرقه‌اندازان و توطئه‌گران

هرچه مستحکمتر باد پیوند همه خلق‌های ایران

پیروز باد مبارزات حق‌طلبانه خلق‌های تحت ستم ایران

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا (اعلامیه شماره ۱۸)

۵۸/۱/۲۳

در جواب «تحلیلی از وقایع گنبد»

(سازمان دانشجویان مسلمان دانشگاه صنعتی تهران)

تاکنون اطلاعیه‌های گوناگونی به‌وسیله این سازمان داده شده است که دور از واقعیت می‌باشد و با اغراض خاصی نوشته شده است. ما

واقفیم که در این سازمان عنصر ترکمن ضد انقلابی وجود دارد که اخبار کاذب را به این سازمان می‌دهد. یکی از اطلاعاتی‌های داده شده در مورد رد نظرات جمعیت حقوقدانان و وکلای پیشرو که مرجع صلاحیت‌دار قانونی است می‌باشد که خوانندگان این اطلاعات به علت وجود تناقض در خود اعلامیه‌ها به واقعیت امر پی خواهند برد ما جوابی به اطلاعاتی فوق ندادیم چون فکر کردیم که آخریش باشد ولی دیدیم که این سمپاشی‌ها ادامه می‌یابد، و حال در مورد جواب به تحلیل وقایع گنبد.

الف - فتوادل‌های ترکمن: موردی ندارد که فتوادل‌ها و یا اعوان و انصارشان مارکسیست باشند زیرا مارکسیسم حافظ منافع آنها نیست بلکه حافظ منافع دهقانان و کارگران است و مسئله بریدن از دولت مرکزی به هیچوجه به وسیله نیروهای مترقی مطرح نبوده است و ستاد بارها و بارها اعلام نموده که مسئله تجزیه‌طلبی در میان نیست بلکه خواست‌های منطقی خلق ترکمن در ایران دموکراتیک و آزاد مطرح است.

نویسندگان اطلاعیه حتی نام ستاد را هم تحریف کرده‌اند. زیرا «ستاد مرکزی شوراهای خلق ترکمن» با «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» دو سازمان مختلف‌اند. «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» حافظ منافع حقوق کلیه خلقها می‌باشد و «ستاد مرکزی شوراهای خلق ترکمن» که حافظ منافع خلق ترکمن است، وابسته به آن می‌باشد. مسئله ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا مانند خاری در چشم فتوادل‌ها و حامیان آنها فرو رفته است.

بنیان‌گذاران ستاد که نیروهای مترقی هستند به ایدئولوژی علمی مجهزند. عناصر زیر بنیان‌گذاران ستاد و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن نمی‌باشند.

۱. دکتر مختوم شهنازی ۲. دکتر خدای نظر سیدی ۳. دکتر فیض‌اله جهانی

دکتر مختوم شهنازی در ارتباط با اکیپ پزشکی همکاری میکرده و فعالیت سیاسی ایشان از دوران دانشجویی که هنوز متأهل نبوده‌اند در ارتباط با جبهه ملی بوده و در نهضت آزادی نیز فعالیت داشته و آن میلیارد معروف عموی خانم ایشان می‌باشد. و همچنین دکتر خدای نظر سیدی که

گفته شده که او سلطان زمین است کذب محض بوده و در ارتباط با اکیپ پزشکی با ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا فعالیت داشته است اصولاً ستاد و کانون با هر استعمار کننده‌ای مخالف هستند چه رسد به مهره‌های میلیارد و زمیندار.

چریک‌های فدائی خلق - چریک‌های فدائی خلق گروه نبوده بلکه سازمان می‌باشند. مترقی و آگاه بودن این سازمان بر هیچ کس پوشیده نیست و لازم به توضیح می‌باشد که چریک‌های فدائی خلق ایران هیچگاه در مبارزات گنبد دخالت نداشته‌اند ولی این مورد که چریک‌های فدائی خلق ایران در سراسر ایران فعالیت خلقی داشته‌اند و دارند مسجل است و با پشتیبانی از خواسته‌های به حق خلق ترکمن نیز وظیفه انسانی خود را انجام داده‌اند.

۱. عباس هاشمی که در دقایق اول درگیریهای گنبد به وسیله پاسداران به اصطلاح انقلابی دستگیر شده بود که دستگیری او صرفاً توطئه بوده است و در مورد اتهام به او که قاتل ۵ نفر بوده است بدون مدرک و دلیل می‌باشد و فقط بدنام کردن شریفترین فرزندان خلق به وسیله عوامل سرسپرده بوده است. موضوع برای تمامی کسانی که از جریانات گنبد با اطلاع هستند عیان و آشکار است. ایشان در همان دقایق اول با تلفن زدن به نوروزی عامل کشتار گنبد و عضو برجسته کمیته اصرار زیادی در خاتمه به کشتار ترکمنان به وسیله کمیته داشته است.

۲. شهلا مظفری که مشخص نشده است.

۳. مهدی - این شخص در ارتباط با جنگ دستگیر نشده است.

۴. سرمایه‌داران و زمینداران - تا آنجائیکه ما اطلاع داریم مدافع کمیته بوده‌اند چون هیچگونه دلخوشی به ستاد که سرمایه و زمین غصبی آنها را تهدید می‌کند نداشته‌اند. احمد محمدی از ثروتمندترین افراد ترکمن صحرا می‌باشد که حمایت مستقیم مادی و معنوی از رژیم قبلی و کمیته فعلی داشته‌است.

۵. سرمایه‌داران وابسته به رژیم و عناصر ساواک - این قسمت به وسیله سازمان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف تهران مشخص نشده یعنی آیا اینها هم از ستاد حمایت می‌کردند یا نه؟ اگر همکاری و حمایت می‌کردند به چه شکلی بوده و چه نظری داشته‌اند؟ اعضای ۲۰ سازمان کشاورزی

مربوط به غاصبان همچون یزدانی، مزین، شاهپور غلامرضا، فاریابی دشمنان اصلی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا هستند.

۶. عناصر انگیزه ساز محلی - توضیحات این قسمت صحیح است ولی لازم به توضیح می باشد که با مراجعه به کیهان روز ۵۸/۱/۲۶ مشاهده می شود که با دستگیری ۵۰ نفر از ساواکی ها که در کمیته کار می کردند تا چه حد این عناصر در به وجود آوردن جریان گنبد دست داشته اند. این عناصر سرسپرده که در داخل کمیته نفوذ کرده بودند از اعلام آتش بس که با میانجی گری نیروهای مبارز ترکمن و نمایندگان دولت انجام شده بود ناراضی بودند، حتی به یک سری از جوانان پاسدار با سپاشی و دروغ بافی خود فشار وارد می کردند که آتش بس را قبول نمایند. همین عوامل بودند که دوبار آتش بس را نقض کردند. نمونه بارز این عناصر به غیر از نوروزی و ایبک و جاجرمی و اصغر صباغیان بود که سردسته ۲۰۰ نفر اعزامی کمیته از تهران به گنبد بود که تلاش زیادی در ادامه جنگ داشته است. این شخص در دستگیری فرزندان آیت اله طالقانی رل مهمی را ایفا کرده است.

نیروهای مترقی		نیروهای ارتجاعی	
کارگران	ستاد	فرمانداری	کمیته
دهقانان	مرکزی	جبهه ارتجاعی	نیروهای ارتش
نیروهای مترقی و روشنفکر	شوراهای ترکمن صحرا	تحمیل کننده جنگ به خلق ترکمن	که به تحریک کمیته وارد شده بودند ساواک
		آتش گشودن بر روی مردم بی دفاع	

آغاز جنگ ۹ روز تحمیلی خلق ترکمن (گنبد)

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - شاخه تهران

وابسته به ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

۵۸/۱/۲۸

خلق غیور ترکمن صحرا

(اعلامیه شماره ۱۹)

ما «کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن» موجودیت خود را چند روزی است که اعلام نموده ایم. شاخه های وابسته به کانون ما در ترکمن قلا (بندر شاه) سابق و آق قلا (پهلوی سابق) و کلاله و گرگان شروع به کار نموده اند. هدف ما خدمت به خلق ستمدیده ترکمن است. حکومت

محمد رضا شاه خائن جز تباهی و تیره روزی چیز دیگری برای خلق به ارمان نیاورد. دهقانی نیست که زمین هایش به وسیله عمال کثیف و سرسپرده تصرف نگشته باشد. اشرف ها - شاهپورها - شمس ها - مزین ها - سرلشگر انصاری ها - تیمسار مین باشیان ها نام هایی هستند که هر روستائی تا اسمشان را می شنود موی بدنش سیخ می شود. این روزها مردم ستمدیده عزم راسخ دارند که زمین هایشان را تصرف نمایند. آنها این مبارزه را تازه شروع نکرده اند. آنها ده بده و خانه به خانه سالها در مقابل سرمایه داران مرتجع مبارزه نموده اند. کسی نیست که از درگیری ها و در بدری های آنها خبر نداشته باشد. هزاران تن به زندان رفته اند بیشتر آنها را به جرم مخالفت با دولت به ساواک می بردند. شکنجه هایی مثل شلاق زدن، کشیدن ناخن جوانان و پیران، نشاندن روی صندلی برقی معمولی بود. هر روز هزاران نفر به کانون سر می زدند. کانون خانه همه ستمدیدگان است کانون خانه کارگران، دهقانان، دانش آموزان، فرهنگیان، کارمندان، پیشه وران، بازاریان و روحانیون مترقی است همه این اقشار همبستگی خود را تا کنون با ما اعلام داشته اند. ما از کمک های مادی و معنوی مردم برخوردار بوده و نیروهای مترقی را تأیید می کنیم. با مصادره زمین ها توسط دهقانان این روزها همه سرمایه داران و مرتجعین به وحشت افتاده اند. خواست مردم آزادی اقتصادی فرهنگی و سیاسی است آنها می خواهند آزاد باشند بامذهب خویش زبان خویش و آداب و رسوم خویش. هر جا که مردم برای حق خواهی برمی خیزند و تصمیم می گیرند که سرنوشت خودشان را خود تعیین کنند، آنها را فرصت طلب و ضد انقلابی می خوانند. در روزنامه اخبار روستاها را وارونه جلوه می دهند. رادیو گرگان مردم روستا را ساواکی و انقلابیون را ناآگاه قلمداد می کند. لابد زمیندارانی چون انصاری ها - مزین ها و هنورها را انقلابی می داند. تشکیل شورا خواست دانش آموزان و کارمندان و دهقانان و کارگران است. «انتصاب نابود باد - انتخاب پیروز باد» اکنون شعار همه مردم است. مردم هشیار باشید و اتحاد خود را حفظ کنید. کاری نکنید دوباره سرتیژه ها بر سرتان فرود بیاید. اینها همه توطئه قلدران مزدور است. آنها نمی خواهند که مردم ترکمن صحرا با هم متحد شوند.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

توسط سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران تسخیر شده است. برای ما این سؤال مطرح است که چرا «صدا و سیمای انقلاب اسلامی ایران» به جای اینکه اخبار واقعی حوادث کردستان و گنبدکاووس را که تا کنون صدها تن کشته و زخمی داشته است پخش کند، اخبار تحریک‌آمیز و دروغین خبرگزاری‌های خارجی را که در پی ایجاد جنگ داخلی و تحکیم مجدد سلطه امپریالیزم در ایران هستند منتشر می‌کند. آیا پخش اینگونه اکاذیب خبرگزاری‌های خارجی بدون پخش اخبار واقعی به توطئه‌گران کمک نمی‌کند؟ و خود تحریکات جدیدی را در پی نخواهد داشت؟ ما همانگونه که بارها گفته‌ایم رویدادهای سنندج، گنبد و دیگر نقاط میهن را نتیجه تحریکات و دسیسه‌های نوکران امپریالیزم و عوامل مزدور ساواک که با گشودن آتش بروی مردم همراه با پخش شایعات تحریک‌آمیز زمینه جنگ داخلی و کشتار خلق‌های ایران را به وجود می‌آورند، می‌دانیم. مسلم بدانیم که از تشدید هر نوع درگیری و مخاصمه بین صفوف مردم تنها و تنها دشمنان خلق‌ها سود خواهند برد.

یکبار دیگر با صراحت و قاطعیت تمام اعلام می‌کنیم که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران دستور حمله به هیچیک از پادگان‌ها و مراکز نظامی دیگر را صادر نکرده و نمی‌کند. ما همواره در برابر توطئه‌های ارتجاع و امپریالیزم، در کنار مردم تا آخرین قطره خون خود از منافع خلق‌های ایران دفاع خواهیم کرد.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

۱۳۵۸/۱/۷

پیام اهالی ترکمن صحرا به همه نیروهای مترقی

حقوق ما ساکنین ترکمن صحرا بار دیگر در معرض خطر زمینداران منفور و خونخوار قرار گرفته. زمین‌های ما ۸۰۰/۰۰۰ اهالی این منطقه توسط عده قلیلی دشمن به‌زور سرنیزه‌های رژیم منفور پهلوی تصرف گردیده بود. تا قبل از شکوفائی انقلاب مردم قهرمان ایران، استثمار مضاعف اهالی رنج‌دیده ترکمن صحرا، توسط عده قلیلی دشمن قسم خورده خلق ادامه

قطعه‌نامه (اعلامیه شماره ۲۰)

قبل از ظهر روز چهارشنبه ۵۷/۱۲/۹ عده معدودی از دانش‌آموزان به تحریک عوامل شناخته شده با اجتماع در مقابل آموزش و پرورش گنبدکاووس خواستار برکناری آقای مستجیر رئیس آموزش و پرورش که مورد تأیید اکثریت قاطع مردم این شهرستان می‌باشند، شدند و بلافاصله دانش‌آموزان و معلمان کلیه واحدهای آموزشی با اطلاع از این موضوع با شرکت هزاران نفر که دیگر اقشار مردم نیز به آن‌ها ملحق شدند. ضمن راه‌پیمائی آرام در چند خیابان اصلی و با ایراد سخنرانی مصراً خواستار ادامه حضور آقای مستجیر شدند و در پایان طی قطعه‌نامه‌ای خواست‌های خود را به شرح زیر اعلام نمودند:

۱. ادامه حضور رئیس آموزش و پرورش فعلی در سمت خود تا تشکیل شورای فرهنگی واقعی
۲. برکناری فرماندار انتصابی و انتخابی بودن کلیه مسئولان
۳. به رسمیت شناختن حقوق دموکراتیک خلق ترکمن (از جمله آزادی‌های فرهنگی و قومی)
۴. آزادی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی کلیه گروه‌های دانش‌آموزان در مدارس
۵. شناسائی و مجازات عوامل تفرقه و تحریک در محیط‌های آموزشی از طرف هزاران نفر از دانش‌آموزان و معلمان شهرستان گنبد کاووس

(اعلامیه شماره ۲۱)

اعتراض چریک‌های فدائی به صدا و سیمای انقلاب

پخش اخبار تحریک‌آمیز خبرگزاری‌ها چه معنایی دارد

ستاد چریک‌های فدائی خلق دیشب در رابطه با یک گزارش رادیو تلویزیون اعلامیه‌ای منتشر کرد. متن اعلامیه بشرح زیر است.

امشب (دیشب) «صدا و سیمای انقلاب اسلامی ایران» از قول خبرگزاری‌های خارجی اعلام کرد که سنندج، گنبد و برخی از مناطق دیگر

نفی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا به نفع چه کسانی است؟

خلق قهرمان ایران:

در تاریخ ۵۸/۳/۳ رادیو - تلویزیون انقلاب اسلامی اطلاعیه‌ای قرائت نمود که تأسف خلق ترکمن صحرا را برانگیخت. این اطلاعیه از آنجائی که تکیه عمده‌اش بر روی مسئله ارضی در این منطقه و ستاد مرکزی شوراها است، ما را وا می‌دارد تا موضع کنونی دولت موقت را بشکافیم و نشان دهیم که این اطلاعیه از چه کسانی دفاع می‌کند.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن صحرا در اعلامیه افشاگرانه خود «هشدار به خلق‌های قهرمان ایران» واقعیت آنچه را که در ترکمن صحرا می‌گذرد تا حدودی آشکار ساخت. لیکن دولت آقای بارزگان حاضر نیست آنرا بپذیرد، لذا ما لازم می‌بینیم تا بار دیگر ماهیت توطئه‌ای را که در ترکمن صحرا در شرف تکوین است برای خلق‌های کشورمان افشا سازیم.

خلق ستمدیده ترکمن صحرا، سالیان درازی فشار و سرکوب خاندان منفور و کثیف پهلوی را برگرده‌اش تحمل نمود، اکنون که انقلاب خلق‌های کشورمان می‌رود تا منافع بر حق آنان را تأمین کند، بار دیگر در مقابل خویش با موانعی مواجه گشته است که عمدتاً تفاله‌های همان دوران ظلم و استبداد است. مشتی غاصب و زمیندار بزرگ که طی سالهای گذشته با استفاده از حبس، تبعید و شکنجه‌های ساواک توانستند زمین‌های روستائیان را تصاحب کنند، اکنون نیز همچنان به توطئه چینی مشغول هستند و اینبار دست از آستین دولت آقای بارزگان درآورده‌اند و این واقعیت با اطلاعیه اخیر دولت برای تمام خلق‌های کشورمان آشکار شده است. در اینجا است که ما از دولت آقای بارزگان سئوال می‌کنیم که ملت ایران برای چه انقلاب نمود؟ مگر مردم انقلاب نکردند تا دست متجاوزین به حقوقشان را کوتاه کنند و آنچه را که به‌زور از آنان ربوده‌اند بازپس گیرند؟ حال چرا، اکنون که خلق ترکمن صحرا توانسته است کلیه زمین‌هایی که سالیان دراز توسط عده‌ای غاصب مورد دستبرد و بهره‌برداری قرار گرفته بود بازپس

داشت. پس از پیروزی انقلاب خونین و ظفر نمون خلق‌های ایران، اهالی ترکمن صحرا نیز که ده‌ها سال از بهره‌برداری از زمین‌های خود که حق مسلم آنهاست، زمین‌هایی که به‌استناد مدارک و شواهد بیشمار بدون هیچ چون و چرائی از آن آنهاست محروم بودند، اراضی خود را با تشکیل شوراهای روستائی پس گرفتند و به‌زیر کشت درآوردند. اکنون حاصل دسترنج و دست‌آوردهای ساکنین ترکمن صحرا از طرف همانها که جنگ گنبد را به‌خلق ترکمن تحمیل کردند مورد تهدید جدی قرار گرفته است. پرواضح است که آنان در برپا کردن يك خونریزی دیگر نیز هیچ تردیدی به‌خود راه نخواهند داد در حالیکه هنوز خون شهیدان خلق ترکمن خشک نشده است.

شواهد و مدارک بیشماری که در این منطقه وجود دارد نشانگر آنست که این خونخواران در صدد ایجاد و برپائی يك خونریزی دیگر هستند. ما اعلام می‌داریم که وقوع هر جنگ ناخواسته که به‌دست این نوکران بیگانه به‌ما تحمیل شود گامی است در جهت تحکیم سلطه‌های امپریالیسم و قدمی است به‌سوی پایمال شدن حقوق مسلم همه خلق‌های ایران. ما با همه توان خود کوشش همه جانبه‌ای به‌عمل آورده و می‌آوریم تا توطئه‌های دسیسه‌چینان را هوشیارانه خنثی کنیم. ما به‌همه مقامات مسئول مملکتی هشدار داده‌ایم که اجازه ندهند وقایع خونین سنندج، گنبد و ننده بار دیگر در گنبد تکرار شود. با تأکید کامل بر اهمیت وقایع جاری از همگان و به‌خصوص سازمان‌ها و گروه‌های مترقی که در راه برپائی ایرانی آزاد و مستقل مبارزه می‌کنند، می‌خواهیم تا با همه توان خود در پشتیبانی از حقوق خلق ترکمن و افشای توطئه‌های ضد خلقی که این بار در هیئت زمینداران غاصب متجلی شده است بکوشند.

باشد تا اتحاد و همگامی همه خلق‌ها و مبارزین راستین ملت دست امپریالیسم را برای همیشه از کشورمان کوتاه کند.

«ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا»

۵۸/۳/۵

گرفته و با تشکیل شوراهای روستائی اداره آنرا خود به عهده گیرند، به نفعی آن پرداخته‌اید.

آقای بازرگان! ما، شما و دولتتان را محکوم می‌کنیم، چرا که شما درست همان شیوه‌ای را در قبال خلق ترکمن صحرایش گرفته‌اید که دولت‌های پیشین داشتند. شما از همان کسانی حمایت می‌کنید که دولت‌های قبلی می‌کردند، شما از افراد منفور و دزدی نظیر «فاریابی»، «همایونی»، «شهرکی»، «کلباسی»، «میرسعیدی» و بسیاری دیگر نظیر اینان حمایت می‌کنید، همان کسانی که در دوران محمدرضاخانی، ساواک و ارتش برای حفظ منافعشان روستائیان فقیر و رنج‌دیده ترکمن صحرا را مورد ضرب و شتم و اهانت قرار می‌داد. چه فرقی است بین دولت آریامهری و دولت اسلامی مستضعفان؟ ولی اینرا بدانید اکنون زمان آن گذشته است که بتوانید بر روی حقایق پرده تارک بکشید، چرا که انقلاب به مردم آموخت که چگونه می‌توان در مقابل چپاولگران و غارتگران ایستادگی نمود و آنانرا درهم کوبید.

آقای بازرگان! شما مسئله ارضی ترکمن صحرا را که عمده‌ترین مسئله آنست به‌طور یک جانبه حل نموده‌اید، چرا که شما منافع زمینداران و غاصبین را مدنظر قرار داده‌اید، درحالیکه شما می‌دانید هم اکنون تنها مرجع مورد پذیرش توده‌های ترکمن صحرا «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» است. عوض اینکه با پذیرش این واقعیت و به‌طریق مسالمت‌آمیز و مذاکره قضیه را فیصله دهید، اعلامیه کذائی ۵۸/۳/۳ را منتشر ساختید. این برنامه به‌جز نابودی دست‌آوردهای انقلاب در ترکمن صحرا و نهایتاً در سراسر کشور چیز دیگری در بر ندارد. آقای بازرگان! این برنامه شما به‌شدید تضادهای درون خلقی خواهد انجامید و شما به‌خوبی می‌دانید که از این سیاست در شرایط کنونی تنها دشمنان ایران و به‌ویژه امپریالیسم آمریکا سود خواهد برد.

خلق‌های قهرمان ایران!

ما ضمن یادآور نمودن عواقب وخیم مبارزه مرتجعین با «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا»، خواستاریم که در لحظات بحرانی کنونی با اعلام

همبستگی خود با خواست‌های برحق ما و تأیید «ستاد مرکزی شوراهای» و همچنین محکوم نمودن سیاست نادرست کنونی دولت بازرگان نشان دهید که جبهه خلق‌های ستمدیده ایران آماده درهم کوبیدن هرگونه سیاست ضدخلقی است.

مرگ بر غاصبین و زمینداران بزرگ
نابود باد توطئه‌گران و نفاق‌افکنان
مرگ بر امپریالیسم و وابستگی‌گانش

«اهالی ترکمن صحرا»

۵۸/۳/۵

دهقانان و زحمتکشان مبارز ترکمن صحرا

در طی مذاکراتی که از مدت‌ها قبل میان نمایندگان ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و نمایندگان وزارت کشور (دولت) در مورد زمین‌های غصب شده جریان داشت، به‌خاطر حساس بودن شرایط منطقه و فرا رسیدن زمان برداشت محصول تا ارائه یک طرح ارضی از جانب ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا، توافقی بدین شکل صورت گرفت: محصول املاک پهلوی و زمین‌داران معدوم و فراری کاملاً در اختیار شوراهای روستائی قرار بگیرد و همچنین بخشی از محصول زمین‌های مالکین باقیمانده تحویل شورای روستائی گردد. پیرو این جریان برداشت محصول با شکل عادی خود شروع شد.

پس از دسیسه‌چینی‌های زیاد و جنگ افروزی عناصر مشکوک، گروه دیگری از مرکز به‌گنبد اعزام گردید تا به‌اصطلاح راه حلی برای مسائل بیابد. درپی مذاکرات گروه مذکور با ۵۰۰ نفر از نمایندگان شوراهای روستاهای ترکمن صحرا طرفین همان نتایج قبلی را تأیید نمودند. منتهی در مورد مالکیت باقیمانده قرار بر این شد که ۲۰٪ محصول زمین‌های آنها به‌شورای روستای محل سپرده شود. (این امر بر طبق نامه‌هایی که دادستان

انقلاب اسلامی گنبد به برخی مالکین جهت استرداد ۲۰٪ به شورای روستائیان نوشته مشهود است) ولی اکنون اعلامیه عجیب و تحریک کننده‌ای از طرف دادستان انقلاب اسلامی گنبد بدون توجه به خواست برحق زحمتکشان روستائی در روزنامه آیندگان شنبه ۲۶ خرداد منتشر گردید. که گویا «۲۰٪ محصول را مالکان با میل و رغبت به طور امانی در اختیار دادستان قرار داده‌اند تا از مستضعفین احقاق حق شود» و شوراها و روستائی حق گرفتن محصول و سپردن آنرا به روستائیان ندارند!!

همه می‌دانیم سالیان درازی است که مالکان و وابستگان شاه خائن با هزاران حيله و تزوير زمین‌های حاصلخیز منطقه را از چنگ روستائیان فقیر بیرون آورده و یا املاک و مراتع ملی منطقه را تصرف کرده‌اند و سالهاست که با استثمار شدید خود خون زحمتکشان بی‌پناه بومی و غیر بومی را می‌مکند و در حالیکه دهقانان و زحمتکشان درگرم و سرما و تابستان و زمستان مشغول کارند، مالکان درخانه‌هایشان کنار کولر یا بخاری به استراحت مشغولند. حال در زمانیکه قیام شکوهمند خلق‌های ایران با پایداری همین زحمتکشان که منجر به سرنگونی دیکتاتوری شاه خائن گردیده و هیچ کدام از این مالکین کوچکترین نقشی در آن نداشته و به‌وضوح نوکری خود را به رژیم قدیم ثابت کردند و گذشته از آن مسئله غصب زمین و زورگویی و هزاران جنایت دیگر آنان چون روز بر همه زحمتکشان منطقه روشن است، دادستان انقلاب اسلامی به حمایت بی‌چون و چرا از این جنایتکاران پرداخته است و عملاً به جای جلوگیری از اجحافات و تعدیات آنان به زحمتکشان به صدور اعلامیه‌های رنگارنگ می‌پردازد و محیط را متشنج می‌نماید. و باعث تحریک مردم می‌گردد. آیا دفاع از خواست‌های مالکین و تأمین منافع آنها و بی‌توجهی به خواست‌های اساسی روستائیان بی‌چیز چه معنی می‌تواند داشته باشد؟ ما ازهم اکنون در مورد برخوردهای احتمالی که به وسیله عناصر غیر مسئول و با صدور اعلامیه‌هایی از این قبیل امکان می‌یابد، هشدار می‌دهیم و یادآور می‌شویم که دوران تحمیل ظلم و ستم به پایان رسیده و دهقانان و زحمتکشان لحظه‌نی هم از خواسته‌های طبیعی و برحق خود دست برنداشته‌اند

توطئه‌گران را باز می‌نماید. همچنین ایمان داریم که آرامش و عمران منطقه تنها در سایه حفظ و دفاع از منافع زحمتکشان حاصل می‌گردد.

هرچه مستحکم‌تر باد اتحاد زحمتکشان
پیروز باد مبارزات خلق‌های ایران

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

موضع ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در قبال
حوادث روزهای اخیر

روستائیان زحمتکش:

بعد از سال‌ها سرکوبی و اختناق و انقیاد همه خلق‌ها و زحمتکشان بالاخره با دلاوری و مبارزات قهرمانانه خلق‌های ما رژیم سرسپرده و نوکر امپریالیسم شاه خائن سرنگون و آزادی و استقلال برای همه خلق‌هایمان امکان‌پذیر گردید. متعاقب این حرکت انقلابی که با به‌خون کشیده شدن ده‌ها هزار مبارز همراه گردید، خلق‌های تحت ستم کرد و ترکمن و عرب و... بعد از اینکه همگام با سایر خلق‌ها قهرمانانه علیه رژیم فاسد پهلوی مبارزه کردند فرصتی یافتند تا بتوانند از حقوق و آزادی‌های ملی و فرهنگی و اقتصادی خود دفاع نمایند. در این رابطه یکی از اصیل‌ترین و انقلابی‌ترین حرکت‌ها در بخش ترکمن صحرا به‌وجود آمد به‌طوری که خلق ترکمن هم از حقوق ملی و آزادی‌های فرهنگی خود با ایجاد کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن دفاع نمود و هم با تشکیل ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و با اتحاد تمامی پیشگامان مبارز و دهقانان و زحمتکشان روستائی توانست سلطه کلیه غاصبان و زمینداران وابسته به رژیم شاه خائن را درهم شکند و می‌رود تا با تشکیل شوراهای دهقانی حاکمیت خلق را در ترکمن صحرا اعمال نماید.

دهقانان مبارز به‌یاد دارید که چگونه زمینداران و عمال رژیم گذشته با

پیام به دومین گردهمایی شوراهای ترکمن صحرا

دومین گردهمایی شوراهای ترکمن صحرا نتیجه اتحاد و مبارزه حق طلبانه شما رنجبران بر علیه ملاکان و سرمایه داران است. نشانه اراده شما برای رهای ازستم ملاکان و سرمایه دارانی نظیر هژبر یزدانی ها و نقشبندی هاست.

ما نیز اعتقاد داریم «زمین از آن کسی است که بر روی آن کار می کند» دومین گردهمایی شوراهای ترکمن صحرا، حاصل خون مبارزان و انقلابیون خلق ترکمن است که علیه ستم ملی و رهائی از غارت سرمایه داران پیماخواستند و دلیرانه پیکار کردند. آنها درمقابله با ارتجاع وابسته به امپریالیسم جهانی و چنانچه اران نشان از جان خویش دریغ نورزیدند.

دومین گردهمایی شما رنجبران، جاصل اتحاد دهقانان با کارگران است که هیچ نیروئی را یارای مقابله با قدرت تاریخی آنان نیست.

زحمتکشان ترکمن تاریخ نشان داده است که پیروزی نهائی از آن ماست و تنها ضامن این پیروزی وحدت و یگانگی ما زحمتکشان است. فتح و شادی را هیچکس به ما نخواهد بخشید. باید با دستهای خود در پیکارهای بی امان آنها به دست آریم.

ما دهقانان خواستهای برحق و قانونی خلق ترکمن مبنی بر کسب آزادی های اقتصادی - سیاسی - فرهنگی و قومی و بازپس گرفتن زمین های غصب شده را تأیید می کنیم و یقین داریم که در مبارزات بی گیرتان پیروز خواهید بود.

مستحکم باد اتحاد کارگران با دهقانان
مستحکم باد اتحاد همه خلق های ایران
پیش بسوی رهائی همه زحمتکشان

با درودها و امیدهای فراوان = گروهی از دهقانان گیلان

تکثیر از: ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

۱۳۵۸/۳/۴

کمک خائنانی همچون «آیت الله نقشبندی» زحمتکشان منطقه را در برابر هم قرار می دادند و چگونه با درگیر کردن روستائیان با دیگر زحمتکشان غیر ترکمن به برخورد های خونین دامن می زدند؟ آری؛ ولی اکنون ما بیداریم و آگاهتر از آن هستیم که با حیله و خیانت مشتی زمیندار غاصب سرسپرده به جان هم بیفتیم. ما دیگر دشمن طبقاتی خلق های زحمتکش را شناخته ایم و می دانیم این عده مزدور در هر لباس و زیر هر ماسکی باشند نمی توانند دشمن ما نباشند.

غاصبان و زمینداران خائن همانند فاریابی ها و هنرورها و اویسی ها و جعفریای ها و... یکبار با تبلیغات زهر آگین و برجسب هائی علیه ستاد مرکزی و شوراهای دهقانی به جنگ خونین اخیر دامن زدند آنها فکر می کردند که می توانند با قتل و غارت حمله به ستاد و کانون جلوی حرکت انقلابی و حقوق حقه ما را بگیرند!

برای اینکه دیگر به این تحریکات میدان ندهیم، ما در شوراهای دهقانی موظف هستیم توطئه های آنها را افشا نمائیم و در متحد کردن هرچه بیشتر دهقانان و زحمتکشان روستائی کوشا باشیم زیرا ما می دانیم که تنها حامی و مدافع زحمتکشان و دهقانان خود ما هستیم! حال که دولت بازرگان در دفاع از زمینداران و غاصبان به ما اخطار می دهد ما وظیفه داریم تا با اتحاد و یکپارچگی هرچه بیشتر این توطئه ها را افشا نمائیم. دولت به خاطر معدودی فنودال سابق و زمیندار خونخوار و خائن حاضر می شود «گروه ضربت» و پاسدار به منطقه اعزام نماید ولی حاضر نیست حقوق حقه ده ها هزار زحمتکش ترکمن صحرا و حتی عده ای را بدهد، و تازه ستاد مرکزی شوراها را که مدافع تمامی زحمتکشان و متحدکننده تمامی آنهاست خرابکار می نامد. ما مجدداً از تمامی روستائیان زحمتکش تقاضا داریم که در شوراهای دهقانی گرد آمده و متحداً از حقوق خود دفاع نمایند.

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

۵۸/۳/۵

هشدار به مردم ایران پیرامون وضع روستاها در فصل برداشت محصول

از آنجا که با نزدیک شدن روزهای برداشت محصول وضعیت بحرانی و احتمال درگیری‌های خونین در برخی مناطق روستائی کشور شدت یافته و عملاً در کار برداشت محصول موانعی ایجاد کرده است، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران لازم می‌داند پیرو اطلاعیه‌های رسمی وزارت کشاورزی موارد زیر را به آگاهی هم میهنان برساند:

۱. پس از قیام شکوهمند خلق و رهائی روستائیان ستمکش از یوغ رژیم شاه، تعداد زیادی از مالکین و زمینداران بزرگ که مزدور رژیم سابق بوده‌اند، متواری شده و یا از کشور گریخته‌اند. مزارعی که متعلق به این دسته از ملاکین بوده است، مطابق قانون انقلاب توسط دهقانان مصادره شده و زراعت آن به دهقانان تعلق گرفته است. شورای دهقانی که اداره مزرعه را به عهده دارد، حق دارد محصول را جمع‌آوری و بین روستائیان تقسیم کند.

۲. چنانچه دولت در مورد جمع‌آوری و ضبط قسمتی از محصول مزارع ادعایی داشته باشد، این امر می‌تواند از طریق مذاکره و توافق بین نمایندگان دولت و شورای ده که اداره روستا را تحت کنترل دارد صورت گیرد.

۳. بسیاری از املاک در دوران رژیم منفور پهلوی توسط سران کشوری و لشکری به‌زور سرنیزه از دهقانان غصب شده است. ادعای مالکیت زمین غصبی هیچ حقی برای مالک ایجاد نمی‌کند که بر مبنای آن محصول یا بخشی از آن را از چنگ دهقانان خارج سازد. محصول باید در اختیار شورای دهقانی محل قرار گیرد و بین دهقانان ذینفع تقسیم شود. شکایت زمینداران و مالکین در مورد سلب مالکیت از آنها بعداً باید از طریق مراجع قضایی مورد بررسی قرار گیرد.

۴. در بعضی مناطق به‌ویژه در کرستان، آذربایجان غربی و بلوچستان، دیده می‌شود که فتووال‌های سابق ایادی خود را مسلح نموده و دست به تشکیل اتحادیه‌های فتووالی زده‌اند. آنها از این طریق به‌دهات و مزارع

یورش برده و دهقانان را از زمین‌های خود بیرون رانده و زمین‌ها را غصب و دهقانان را آواره کرده‌اند. عملیات ضدانقلابی فتووالی در کردستان با حمایت دارودسته بارزانی (قیاده موقت) که همیشه در خدمت اهداف امپریالیسم در منطقه بوده‌اند روزبه‌روز شدت بیشتری می‌یابد. در این مورد خلق کرد درباره روابط دولت با دارودسته وابسته به امپریالیزم قیاده موقت، نظیر موقعیت آنها در شهرستان اشنویه و اطراف که تبدیل به پایگاه نظامی آنها شده و چگونگی دعوت از آنها در سیالروز بزرگداشت روز فلسطین در دانشگاه تهران رفت و آمد آزاد آنها به پادگان منطقه جلدیان سخت نگران است. مقامات مسئول باید هرچه زودتر و به‌ر وسیله که ممکن باشد به خودسری فتووال‌های سابق که موقعیت را برای غارت محصول و اعاده مالکیت، زمین مناسب یافته‌اند خاتمه دهند.

حمایت از دهقانان در برابر این فتووال‌ها وظیفه‌ای است که بیگیرانه باید از جانب همه نیروها تعقیب شود.

۵. طبق اطلاعاتی که از مناطق روستایی ترکمن صحرا و کردستان به‌دست ما رسیده است، زمینداران به‌همدستی عوامل رژیم سابق با تهدید روستائیان به آتش زدن محصول مانع برداشت شده می‌کشند محصول را از دست دهقانان بیرون بیاورند. آنها خود را آماده کرده‌اند تا مال و جان دهقانان ستمکش را به آتش و خون کشند. هشیاری دهقانان و افشاگری نیروهای مبارز و انقلابی عامل مهمی در جلوگیری از وقوع درگیری و ممانعت از جنایات این جنایتکاران محسوب می‌شود. در این مقطع عوامل ارتجاع و طرفداران زمینداران همچنان که در سنندج و گنبد و نقده نشان دادند از کثیفترین حیل‌ها و توطئه‌ها و جنایات‌ها هم برای به‌راه انداختن جنگ و برادرکشی بین ترک و فارس، کرد و ترک، ترکمن و غیره غافل نخواهند ماند، تا اکنون که فصل برداشت محصول نزدیک می‌شود دسترنج و مایملک دهقانان را به غارت برند. برعهده دهقانان ستمکش و نیروهای انقلابی است که هرگز اجازه ندهند این عوامل، فجایع سنندج، گنبد و نقده را تکرار نمایند.

۶. موضع حدیث «الزرع للزارع» که از جانب دولت مطرح شده می‌تواند در موارد بسیار منجر به سوء استفاده غارتگران روستا قرار گیرد. کشت

مکانیزه هیچ حقی برای مالک ایجاد نخواهد کرد که دهقان را غارت کند. بهر حال مفهوم این حدیث آن است که محصول از آن کسی است که آنرا کاشته است. مورد اختلاف موضوع این حدیث باید توسط هیئتی مرکب از نمایندگان دهقانان و مقامات رسمی حل و فصل شود.

۷. در منطقه ترکمن صحرا دولت اعلام کرده است که شوراهای دهقانی را به رسمیت نمی‌شناسد. اولاً معلوم نیست چنانچه دولت در مورد جمع‌آوری و تقسیم محصول دهقانان را به رسمیت نشناسد چه کسی را به رسمیت خواهد شناخت.

ثانیاً از هم اکنون پیش‌بینی می‌شود، چنانچه دولت بخواهد از طریق شوراهای دهقانی برای جمع‌آوری محصول و تقسیم عادلانه آن اقدام نماید، زمینه ترکانازی و آتش‌افزوی زمینداران بزرگ را فراهم آورده و آنها این بار با دلگرمی از حمایت دولت، یکباره روستاها را به خاک و خون خواهند کشید. دولت باید از طریق به رسمیت شناختن شوراهای دهقانی که در بسیاری مناطق تشکیل شده است، کار مردم را واقعاً به خود مردم واگذار کند. اما از یکسو برخی مقامات رسمی ظاهراً از ضرورت تشکیل شوراهای دهقانی سخن می‌گویند و با کمال تأسف از سوی دیگر عملاً دولت هر کجا شورا تشکیل شده است آنرا غیرقانونی اعلام می‌کند و به اعتقاد ما این سیاست، اولاً مستقیماً به سود سرمایه‌داران و مالکین بزرگ است، ثانیاً بزرگترین مانع پیشرفت جریان برداشت محصول است. ثالثاً می‌تواند منشا خونریزی و جنایات فجیع تر از گنبد و نقده گردد. از اینرو چنانچه دولت بر این روش خود پافشاری کند و یا اساساً وضعیت بحرانی روستاها را که از جانب زمینداران و عوامل رژیم سابق پدید آمده به فراموشی بسپارد، در حقیقت عواقب خطرناک آنرا خود بر عهده گرفته است. ما امروز قبل از آنکه وضعیت پیش از این بحرانی شود وظیفه خود دانسته‌ایم برای جلوگیری از هر نوع واقعه سوء، مطالب فوق را به اطلاع هم‌میثتان و مقامات مسئول برسانیم.

سازمان ما قبل از وقوع حادثه ناگوار در روستاها اعلام می‌کند، هنگام برداشت محصول به احتمال قوی عوامل وابسته به رژیم سابق و زمینداران بزرگ خواهند کوشید وقایع خونین گذشته را تکرار کنند. به هر حال به اعتقاد

ما آنچه گفته شد تنها راه حل موقت برای جمع‌آوری محصول و جلوگیری از درگیری‌های خصمانه و کاهش تشنجات محسوب می‌شود، و تا زمانی که يك اصلاحات ارضی واقعاً انقلابی در ایران انجام نشود، یعنی تا آن زمان که زمین به کسی که آنرا می‌کارد تعلق نگیرد، تا زمانی که خود دهقانان ما، در همه جا، اداره و کنترل کشت را در اتحادیه‌های تعاونی تولید، توسط شوراهای دهقانی منتخب خود در دست نگرفته باشند و تا زمانی که دولت خود حامی این شوراها و سرسخت‌ترین پاسدار و مدافع این شوراها نباشد، مسائل روستائیان، همچون مسائل کارگران و سایر زحمتکشان اساساً حل نخواهد شد و دهقانان ستمکش ایران همچون سایر اقشار محروم و ستم‌کش خلق در چنگال فقر و بدبختی و استثمار وحشیانه غارتگران وابسته به امپریالیزم که اکنون دچار آنند، همچنان اسیر خواهند ماند.

«سازمان چریکهای فدائی خلق ایران»

۱۳۵۸/۳/۷

ضد انقلابیون را شناخته و توطئه‌هایشان را خنثی

کنیم»

عصر روز ۵۸/۳/۶ گروهی از غاصبان و وابستگان به رژیم سابق جلسه‌ای تشکیل داده و برای به اصطلاح حمایت از فرهنگ و منافع خلق ترکمن چاره‌جویی می‌کنند. این دزدان و دشمنان قسم خورده خلق به علت معلوم بودن ماهیتشان در مقابل خلق، بی‌شرمانه به نام کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن از مردم دعوت به عمل می‌آورند تا در جلسه آنها شرکت کنند. این فاسدان، وجود شوراهای روستائی و ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا را به حق دشمن منافع غارتگران خود دانسته و از سایر وابستگان به رژیم سابق دعوت می‌کنند بر علیه آن متحد شوند. ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا چه اقداماتی انجام داده که این افراد به هراس افتاده‌اند؟ ستاد از بدو تشکیل همیشه در جهت خواست‌های هشتگانه خلق ترکمن صحرا که از ابتدائی‌ترین و طبیعی‌ترین خواست‌های هر خلقی است